

تحول باورهای استوره ای و دینی در فرهنگ ژاپن

(نقش تمدن و فرهنگ ایران باستان در این تحولات)

نگارش جمشید جمشیدی



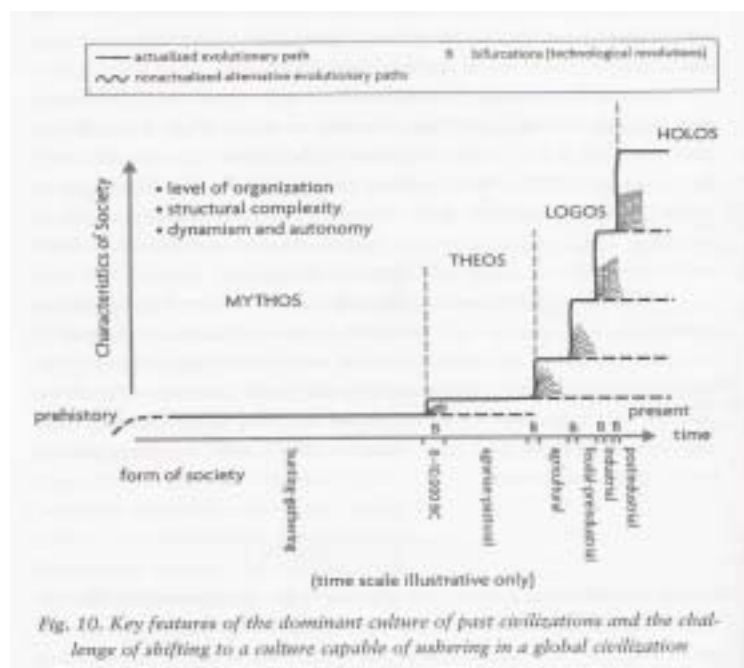
"آسکا" مرغ پرواز

تحول باورهای استوره ای و دینی در فرهنگ ژاپن

نگارش جمشید جمشیدی

پیش گفتار

جامعه انسانی از سخت افزارها و نرم افزارهای ویژه خود برخوردارست. ساختارهای اقتصادی- فنی و خدماتی جامعه که تامین کننده جان و مال و زندگی روزانه مردم است از جمله سخت افزارها و رسوم و آداب و اشتراکات دینی و عقیدتی جامعه که فرهنگ نیز نامیده میشوند از جمله نرم افزارهای جامعه را تشکیل میدهند. به عبارتی مناسبات اجتماعی ظاهر جامعه و فرهنگ باطن آن شماره شده میشوند. جامعه انسانی همیشه و در هر برهه از زمان و مکان از ظاهر و باطن و پیوند ناگسستنی بین آن ها برخوردار بوده و هست. شکل 1 نمای کلی اشکال سازمان های اجتماعی انسانی که تا بحال در تاریخ بشری تجربه شده اند را در رابطه با نوع فرهنگ متناسب هر دوره از تحول اجتماعی به نمایش میگذارد.



شکل 1 در این شکل رابطه بین تکامل سازمان اجتماع با فرهنگ غالب هم عصر آن نشان داده شده است. در جامعه ای که مناسبات بین مردم از راه شکار و هم آوردی شکل میگیرد استوره ها (Mythos) نقش بسزایی دارند. در جامعه کشاورزی دین (Theos)، در جوامع فنودالی و جامعه صنعتی نقش قانونمندی و روش عقلانی (Logos) کارآمدی دارند. در جامعه آینده که در انتظار آن هستیم فرهنگ فراگیر، همه جانبه (Holos) که از پیشرفت یک جانبه (اقتصادی، تکنیکی) پرهیز خواهد شد. اجتماع و فرهنگ در رابطه دوطرفه بر روی یکدیگر تاثیر میگذارند. از مرحله گذشتن به معنای حذف و یا از روی آن عبور کردن نیست. مرحله فرادست پس از تجربه مرحله فرودست وبعبارتی شامل کردن مرحله قبلی تحقق می یابد. هرچه محتوی مرحله قبلی دقیقتر، ژرفتر و همه جانبه تر تجربه گردد پایه های مستحکم تری برای جلوس و تکامل منجمس مرحله بعدی ایجاد خواهد شد. (این شکل از بنمایه 1 برگرفته شده است)

تحولات در ظاهر و باطن جامعه اتفاقی نیستند. هر تحولی به سطح زیرین، ملزم به شامل کردن و اساس قرار دادن سطح زیرین خود است. بنابراین هر تحول اجتماعی محتاج زیر سازها و شرایط لازم برای تحول است. تعادل و هم آهنگی بین ظاهر و باطن اجتماع ضامن بقا و تحول آن اجتماع میباشد. تغییر جهش وار که سطح زیرین را انکار کند و یا بطور لازم آن را در بر نگیرد، یا با شکست فوری روبرو میشود و یا بیمارگونه و مسخ زده به بیراهه سوق می یابد.

رد یابی چگونگی پیدایش کشور و روند زندگی یک ملت در محدوده سرزمین خاصی از زبان استوره کندوکاوشی ارزشمند در ریشه یابی باورهای دینی- فرهنگی، رفتارهای اجتماعی، خلق و خوی و هنجارهای فردی آن ملت می باشد. به عبارتی پی گیری ژرفای هویت یک ملت در هر مرحله ای ناگذیرست تا از پهنای گسترده و پایدار استوره های آن ملت عبور کند. چرا که استوره ها از تجربه مستقیم زندگی یک ملت در نهایت بی آلاشی و صداقت بیرون آمده و سپس خود الگوی زندگی فردی و اجتماعی آن ها را در دوران تاریخی تشکیل داده است. ساده تر که بگوئیم، مطالعات فرهنگی باید از ریشه ها که همانا انگاره های استوره ای است آغاز گردد.

استوره های ژاپن پایه های فرهنگ دینی این کشور را تشکیل میدهند که نقش آن در سرنوشت زندگی اجتماعی این کشور حائز اهمیت است. شناخت فرهنگ ژاپن بدون کند و کاوش در استوره های این کشور میسر نیست. استوره های ژاپن پایه دین **شینتو (Shinto)**، تنها دین ژاپنی ها تا قبل از معرفی و جایگزینی آئین بودیسم در قرن ششم میلادی در این کشور بوده است. دین **شینتو** که بر شالوده باورهای چند خدائی شکل گرفته است اصطلاحاً به دین "هشت میلیون خدائی" (**yaoyorozu-no-kami**) ملقب گردیده است. استوره ها با وجود این که تحت نفوذ فرهنگ چینی از زمان های بسیار دورتر در پهنای این کشور در رابطه با ساختاراجتماعات اولیه (ماهی گیری، وکشاورزی ابتدائی) آن رواج داشته است برای اولین بار در نیمه اول قرن هشتم میلادی همزمان با ظهورساختار اجتماعی کشاورزی و فنودالی این کشور، به دستور امپراتور وقت جمع آوری شده و به سلیقه او در دو کتاب **کوجی کی (kojiki)** و **نی هون شوکی (nihonshoki)** تنظیم و تالیف میگردد. البته باید توجه داشت که بعد از یک برهه کوتاه از زمان که این آئین تحت فشار آئین بودیسم رونق خود را از دست داد ولی مجدد پیروان خود را بازیافت و بصورت دینی مستقل و یا در شکل تلفیقی آن با آئین بودیسم جان تازه ای کسب کرد. اساس دین **شینتو** استوار بر اعتقاد وجود "روح" و یا جان، نیروی نامرعی جنباننده در تمام موجودات اعم از جاندار و بی جان (در معنای عرفی آن) میباشد. و آن چه که "روح" یا جان دارد بر حسب موقعیت چه بسا منزلت "خدا" را کسب میکند. این "خدا" ممکنست خدای جسم، مصنوعات، گیاه، حیوان و انسان در قید حیات یا در گذشته، و تمام مقولاتی که انسان درگیر آن است باشد. آن چه که در زندگی روزانه مردم تجربه میگردد از توجیه دینی برخوردار بوده، گوهر و ارج "خدا"ئی دارد. "خدا"یان در معابد (ستایشگاه) **شینتونی** که به جین جا (**jinja**) (فرتور 1) نامیده میشوند منزل دارند و در انتظار دلباختگان خودند تا به یاری آن ها بشتابند.

تخمین زده میشود حدود 120 هزار جین جا در گوشه و کنار ژاپن وجود داشته باشد. غیر ممکنست که ژاپنی ها در حوالی محل سکونت خود از وجود حداقل یک جین جا محروم باشند. نشانه بارز جین جاها دروازه سمبولیک ورودی آنست که توری ای (**torii=鳥居**) (فرتور 2) نامیده میشود. توری ای به معنای آشیانه مرغ است که به باور بسیاری از پژوهشگران این نام

تلویحن بر گرفته از فرهنگ "مرغی" و یا سیمرغی ایرانیان باستان است که در قرن هفتم در عصر آسکا (飛鳥 = Asuka) وارد فرهنگ ژاپن شد.



فرتور 1 معبد (神社 = jinja)



فرتور 2 توری ای (鳥居 = tori-i) دروازه ورودی جین جا (معبد شینتو)

آفرینش سرزمین ژاپن در استوره

در زمان های بسیار دور که "درهم ریختگی"¹ غالب بود مرزی بین آسمان و زمین وجود نداشت. ناگهان شعاع نوری از روزنه آسمان تابید که نشان از آغاز جدائی آسمان و زمین از یکدیگر میداد. در فرآیند استقرار کامل سرزمین ژاپن خدایان بی شماری با مسئولیت های متفاوت جلوس میکنند. در ابتداء پنج خدا متولد شدند که مسئولیت تدارک ساز و کارهای لازم برای تولد سرزمین ژاپن را بعهده داشتند (جدول 1). نام کلی این پنج خدا را **آماتسوکامی (Amatsukami)** نامیدند. آمه نومی ناکانوشی، اولین خدای قدرتمندی است که راه برون رفت از شرایط "درهم ریختگی" ملکوت را باز کرد و بنابراین حکومت بر آسمان را به عهده خود میگیرد. چهار خدای دیگر عموماً مسئولیت آفرینش سرزمین ژاپن را بعهده دارند ولی چون مجردند پیکر خود را آشکار نمی کنند. بعد از پیدایش هفت خدای اصلی چهار جفت (زن و مرد جمعی هشت) خدا متولد میشوند ولی چون آن ها نیز از خاصیت زایش کودک محروم بودند در آسمان باقی میمانند.

جدول 1 خدایان اولیه که مسئولیت آمادگی آفرینش سرزمین ژاپن را به عهده داشتند.

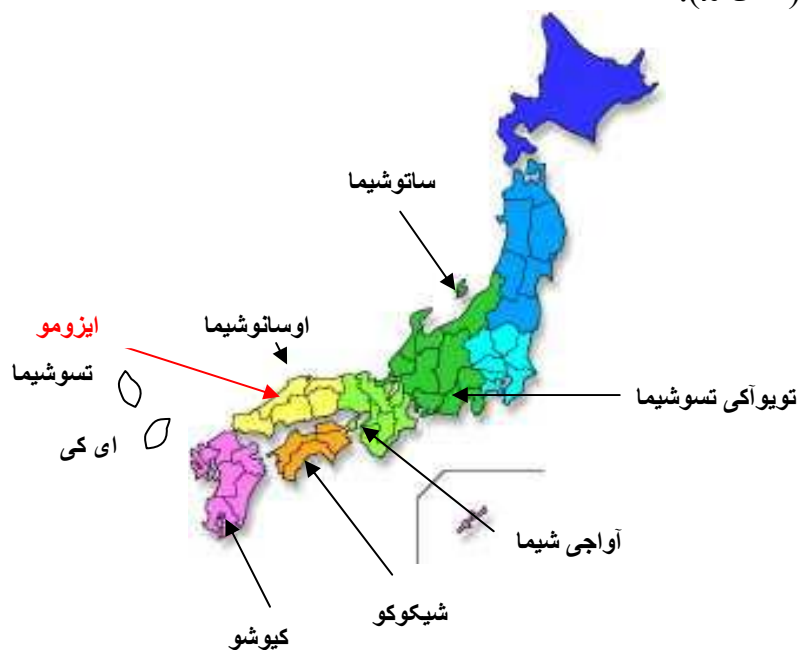
نام خدایان (فارسی)	نام خدایان (انگلیسی)	توضیحات
1 آمه نومی نا کا نوشی	Amenomi-nakanushi	حکومت بر آسمان
2 تاکامی موسوهی	Takami-musuhi	تولید و آفرینش
3 کاموموسوهی	Kamu-musuhi	تولید و آفرینش
4 اوماشی آشی کا بی	Umashiashi-kabi	از بوته نی درون گل و لای متولد میشود.
5 آمه نوتوکوتاچی	Ameno-tokotachi	از گوهر ابدی خدایان برخوردار است.
6 کونی نوتوکوتاچی	Kunino-tokotachi	نماد هستی ابدی سرزمین ژاپن لقب گرفت.
7 تویوکومونو	Toyokumono	

خدایان بعدی که متولد میشوند نقش بسیار مهمی در شکل دهی سرزمین ژاپن و آینده فرهنگ این کشور ایفا میکنند. **ایزاناکی (Izanaki)** که ویژگی نرینه و **ایزانامی (Izanami)** که خاصیت مادینگی دارد متولد میشوند. از این دو خدا بود که خدایان بی شمار آینده ژاپن (متصدیان باد، کوه، دریا، رودخانه، درخت و سبزی و جنگل و غیره) متولد میشوند و فرهنگ چند خدائی و یا فرهنگ "هشت میلیون خدائی" (**Yaoyorozu-no-kami**) این کشور شکل میگیرد. واژه "ایزا" در پیشوند نام این دو خدا به معنای دعوت و پسوند "کی" به معنای جنس مرد و پسوند "می" به معنای جنس زن است. از نزدیکی و مجاورت این دو خدا "فرزندان" سرزمین ژاپن متولد میشوند. **آماتسوکامی** در آسمان این دو خدا را مسئول شکل دهی سرزمین ژاپن میکند. به آن ها یک سرنیزه مقدس می بخشد تا جزایر ژاپن را شکل دهند و آن ها را با عمل جفت گیری به افزایش نسل خود بر روی زمین تشویق میکند. سرزمین ژاپن در این مرحله به صورت یک لکه ژله مانند نامتعادل و لرزان بر روی دریا شناور است که این دو خدا باید با استفاده از سرنیزه مقدس، آن را مخلوط کنند و سپس سر نیزه را از آب که بیرون آوردند قطره آب همراه با نمک

¹ chaos

که از سر این نیزه میچکد جزیره های ژاپن را شکل خواهد داد. پس از جلوس بر روی سطح زمین این دو خدا برای مجاورت با هم ابتداء یک ستون مقدسی احداث میکنند و از جهت مخالف بر گرد آن می چرخند. ابتداء **ایزانامی** (زن) **ایزاناکی** (مرد) را دعوت به مجاورت میکند. با وجود اینکه **ایزانامی** از این دعوت دلخوش نیست و از اجابت آن اکراه دارد ولی ناگزیر آن را می پذیرد. فرزندان که از بین آن ها متولد میشوند ناتوان اند و جزایری ژله مانند لوزان و زود گذرند. فرزندان خود هی روکونومی کوتو (ヒルコノミコト)، را که پس از سه سال هنوز نمی توانست روی پای خود بایستد و به مانند زالو (هی رو) بود درون یک قایق از نی ساخته شده میگذارند و در دریا رها میکنند².

ایزاناکی (مرد) جریان ناموفق خود را با **آمات سوکامی** در آسمان در میان میگذارد. **آمات سوکامی** پیشنهاد میکند که دعوت اول را باید **ایزاناکی** (مرد) انجام بدهد نه **ایزانامی** (زن). **آمات سوکامی** برتری مرد بر زن را تاکید میکند³. **ایزاناکی** این بار طبق آموزش خدایان آسمان از **ایزانامی** (زن) دعوت میکند و در جهت مخالف یکدیگر به دور ستون مقدس می چرخند و عمل مجاورت به خوبی انجام میگیرد. از میان این دو خدا ابتداء جزیره آواجی شیما (Awajishima) و سپس شی کوکو (Shikoku)، کیوشو (Kyushu)، و جمعی هشت جزیره کوچک و بزرگ ژاپن با موفقیت شکل میگیرند (شکل 2).



شکل 2 هشت جزیره ژاپن (مرکب سیاه) که در استوره ها شکل گرفتند

2 داستان این بچه خدا شباهت بسیار زیادی با داستان تولد و پرورش موسا دارد. این بچه را یک ماهیگیر در شهر نیشی نومی یا (Nishinomiya=西宮) از آب میگیرد و بزرگش میکند که بعدن از روی همدردی و رقت او را تبدیل به خدائی در این شهر به نام **ای سو** میکند که در معبد نیشی نومی یا مورد پرستش قرار میگیرد.
3 صاحب نظران، زمینه برخورد تبعیض آمیز به رابطه مرد وزن و تاکید روی برتری مرد بر زن در فرهنگ ژاپن باستان را تحت نفوذ فرهنگ کنفوسیوسی چین ارزیابی میدانند.

معماری سرزمین ژاپن هنوز کامل نیست باید ادامه یابد. از اینجهت است که دو خدای مزدوج **ایزاناکی و ایزانامی** به زایش خدایان متعدد دیگر ادامه میدهند. خدایان باد، رودخانه و جنگل و دریا و غیره از نوادگان آن ها به شمار می آیند.⁴ حکایت میشود که امپراتورشین بو (shinbu tenno)⁵ موسس سلسله **یاماتو (yamato chotei)** از نوادگان خدای دریا بوده است. آخرین خدائی که **ایزاناکی** میزاید خدای آتش **هی نوکاگوتسوچی (hino kagu tsuchi)** است ولی با این زایمان خود **ایزاناکی** در آتش فرزند خود جان بجان آفرین میگوید و به دنیای مردگان یومی نوکونی (yomi-no-kuni)⁶ می پیوندد. **ایزاناکی** با خوردن از غذای دنیای مردگان به رغم خواهش شوهرش که به دنیای مردگان مراجعه میکند تا او را برگرداند به موجود برگشت ناپذیر به سرزمین ژاپن بدل میگردد. (این تکه حامل یک اصل اخلاقی است. هر کسی که با دیگری در یک سفره غذا خورد نباید به او پشت کند.) **ایزاناکی** شوهر در ماتم همسر خود از طرفی به جهت کینه ای که از فرزند آتش یا قاتل همسر خود در دل می پرواند تصمیم میگیرد این نوزاد را از میان بر دارد. با خنجری که در کمر دارد فرزند آتش خود را میکشد. ولی هرگز از تولید فرزندان بعدی توسط خود برای گشایش سرزمین ژاپن خسته نمی گردد. **ایزاناکی** در نهایت سه فرزند از چشمان و بینی خود تولید میکند که آن ها نقش بسزائی در تحولات بعدی جامعه فرهنگی ژاپن ایفا خواهند کرد. در اینجا بد نیست یادآوری بکنیم که از خون فرزند(خدای) آتش پس از کشته شدن، فرزندان ظاهر میشوند که تبدیل به خدای رعد و برق، آب و کوه میشوند که مولد پنج نوع غله اند.

تولد زرخدای خورشید(خورشیدخانم)

از چشم چپ **ایزاناکی** زرخدای **آماتراس (Amaterasu-omi-kami = 天照大御神)**، از چشم راست او خدای **تسوکویومی (tsukuyomi)** و از بینی او مرد خدای **سوسانوو (susano-o)** ظاهر میشوند. **ایزاناکی** وظیفه این سه برادر و خواهر را هم مشخص میکند. **آماتراس** (خدای خورشید) را مامور و مصدر آسمان (ملکوت) میکند، به **تسوکویومی** (خدای ماه) صدارت جهان شب و بالاخره به **سوسانوو** ماموریت نظارت بر دریا و دشت ها و طوفان را واگذار میکند. دو فرزند اول از فرمان پدر متابعت میکنند ولی **سوسانوو** از او سرپیچی میکند و همیشه مشغول گریه و زاری بوده، برخلاف عرف خدایان ریش میگذارد و موهای سرش را بلند میکند. از گریه و زاری **سوسانوو** دریاها طغیان میکنند، دشت ها ویران میگردند. **ایزاناکی** بر این باور است که روح پلیدی جسم **سوسانوو** را تصاحب کرده، بنابراین تصمیم میگیرد ناخن های او را قیچی کند، موهای سرو ریشش را بتراشد و او را از جرگه خدایان ترد کند. **سوسانوو** سرخورده و

4 در اجزاء طبیعت گوهر خدائی را تداعی کردن و از این راه آن ها را مقدس قلمداد کردن خود آموزشی در جهت حیاتی و ارزشمند دانستن طبیعت است. تقدس طبیعت احترام و مواظبت و مراقبت از آنرا طلب میکند. بی جهت نیست که دانشمند مشهور بودسیم ژاپن تاکشی اومه هارا (Takeshi Umehara) فرهنگ ژاپن را فرهنگ سبزی و طبیعت میداند. معابد را در ژاپن عموم در مکان های سرسبز از جمله بالای کوه ها بنا میکنند.
5 زمانی که قدرت و سیاست با باورهای بی آرایش رایج فرهنگی آمیخت میتواند با تعبیرات متفاوت سلسله مراتب خدائی را بر حسب درجه قدرت و نفوذ سیاسی اختراع کند. و بالاخره قدرت بیشتر، تقدس بیشتر و تقدس بیشتر فرمانروائی بیشتر و مطلق تر سرانجام آن خواهد بود.

6 دنیای مردگان دنیای پلیدی است که هرکس پس از بازگشت از آن باید خود را طهارت بدهد. **ایزاناکی** هم همین کار را میکند و پس از طهارت و شستشوی جثه، در حال طهارت صورت خود است که سه فرزند دیگر را می آفریند.

دلنتگ سعی میکند به خواهر خود در آسمان نزدیک شده و درد دل کند. بالاخره به خواهر خود می پیوندد و هردو با جاری کردن سوگند با هم موّدت میکنند و حتا به یاری یکدیگر خدایان مرد و زن دیگری را هم می آفرینند.⁷

ولی پیوند دوستی خواهر و برادر زمان طولانی دوام نمی آورد. **سوسانوو** دست از شیطنت بر نمی دارد و گاه و بیگاه به تخریب در آسمان مشغول میشود.⁸ **سوسانوو** با طوفان سهمگینی که ایجاد میکند طاقت زرخدا **آماتراس** (خدای خورشید) را فرسایش میدهد و در این برهه است که **آماتراس** خود را در غار سنگی مخفی میکند تا از دست **سوسانوو** در امان باشد. نهان شدن زرخدا خورشید همانا و سراسر دنیا را ظلمت فراگرفتن همانا. این داستان پنهان شدن و ترفند بیرون آوردن **آماتراس** از غار سنگی یکی از مشهورترین تکه های استوره های ژاپن است. خدایان بی شمار که تعداد آن ها را هشت میلیون روایت کرده اند در بیرون از غار با شکایت از تاریکی که بستر مناسبی برای رشد ارواح خبیثه است سعی میکنند به هر ترفندی که شده **آماتراس** را از غار بیرون بیاورند. خدایان آسمان با اجتماع در بیرون غار با تزئینات بسیار شروع به رقصیدن و پایکوبی میکنند و ضمن آینه ای را هم تزئین میدهند. **آماتراس** در درون غار از شنیدن سرو صدای شادمانی بیرون غار حیرت زده و کنجکاو میشود. **آماتراس** از شکاف مختصر غار سرکی میکشد تا خبری از مجلس پایکوبی بدست بیاورد، چشمش به آینه میخورد که درخشش و روشنایی خیره کننده ای دارد.



فرتور 3 (بنمایه 4) رویداد پنهان شدن زرخدا **آماتراس** در غار و بیرون آوردن او از غار که مترادف با تولد دوباره خورشید عالم تاب میباشد – **آماتراس** در وسط جمعیت ایستاده دیده میشود. این روایت ما را به یاد استوره **میترا** می اندازد که با تولد خود از درون سنگ غاری به عالم هستی روشنایی بخشید.

⁷ صلح بین خواهر و برادر ظاهر در زمانی صورت میگیرد که امپراتوری ژاپن با خطر حمله قدرت های منطقه شبه جزایر کره روبرو بوده است.

⁸ رابطه دشمنانه زرخدا **آماتراس** و **سوسانوو** به رابطه **اهورامزدا** و **اهریمن** در آئین زردشتی ایران مترادف دانسته شده است و حدس قوی بر این است که نفوذ باور ایرانی در این رخداد استوره ای چشمگیر باشد. تسوکویومی خدای ماه نیز با **آناهیتا** مترادف دانسته شده است (بنمایه 3).

در همین اثناء است که او را بیرون میکشند و بدین وسیله روشنایی و آفتاب را به پهنه جهان باز میگرداند. از آن ببعد خدایان از بازگشت دو باره **آماتراس** به داخل غاز ممانعت میکنند⁹ (فرتور 3). آن چه که **آماتراس** در آینه دیده بود در حقیقت چهره درخشان خود بود. از این پس است که در آئین **شینتو** آینه بر گرفته از این رویداد مهم مقدس و نماد روشنایی **آماتراس** قلمداد شده و به عنوان یکی از سه نشانه خدائی تحویل امپراتور داده شد تا در معابد نگاهداری کند.

روز آفتابی شدن **آماتراس** در تاریخ فرهنگی ژاپن اهمیت خاص دارد و در ماه دسامبر (به روایتی روز یلدا یا تولد دوباره میترا ایرانی) (ماه نوامبر در گاهشمار قدیم) در این روز جشنی به نام **چین کون سای** (chinkonsai = 鎮魂祭) برقرار میکنند. **چین کون سای** به معنای جشن پیدایش و آفتابی شدن (امپراتور) است که با انجام مراسم شادی بخش دینی برقرار میگردیده است.

کوه های بسیار، معابد **شینتو** بسیار و آثار دست ساخت باستانی بسیاری در امتداد خط جغرافیائی شرق – غرب ژاپن کشف شده است تا در آن ها پدیده رمانتیک طلوع و غروب آفتاب را که تمثیل ظهور و افول خدای روشنایی است بنحو احسن قابل مشاهده باشد. هنوز آثار رسوم کهن جالب بسیاری که برای استقبال و بدرقه از خورشید برگزار میشود در نقاط مختلف ژاپن دیده میشود که نگارنده تصمیم دارد در گفتارهای آینده به آن ها به پردازد.

در طراحی پرچم رسمی ژاپن که نقش خورشید سرخ در مرکز با زمینه سفید ارایه شده است یادگار باوربه فروغ خورشید گونه زرخدا **آماتراس** و تاکید بر جایگاه خدائی امپراتور (ذل الا لله) پیکر حلول یافته از روح یا فرزند این زرخداست.



فرتور 4 پرچم ژاپن: پرچم نیروی دریایی در سمت راست ، پرچم رسمی کشور ژاپن در سمت چپ

سرنوشت سوسانوو برادر خورشید خانم ، وتولد خدایان دیگر

سوسانوو (اهریمن) برادر شیطان صفت **آماتراس**، پس از ترد از آسمان و سقوط بر روی زمین خود عهده دار دنیای مرگان میشود ولی پدر فرزندان میگردد که به خدایان روی زمین منسوب میشوند. پس از ماجراهای بسیار **سوسانوو** ازدواج میکند. حاصل زناشوئی آن ها شش فرزند است که یکی از آن ها **اوکونی نوشی** (okuni-nushi = 大国主) است که عهده دار ساختن

⁹ ناتوان شدن خورشید مصادف با انقلاب زمستانی است که در آن خورشید در پائین ترین زاویه جنوب شرقی طلوع میکند. در شب زمستان یا شب یلدا (30 آذر برابر با 20 دسامبر) که طولانی ترین شب در سال است مردم در انتظار طلوع روز روشن یا جان تازه کردن خورشید که مترادف با روز تولد میترا (اول دی یا 21 دسامبر) میدانند می نشینند. در ژاپن هم از کهن ایام در عصر امپراتوری های باستان این شب و روز را طی مراسمی جشن می گرفتند و میگیرند. در ژاپن شب یلدا یا بلندترین شب سال را **توجی** (冬至 = toji) می نامند.

کشور ژاپن می‌گردد. **اوکونی نوشی** قبل از انجام وظیفه برای اندوختن تجربیات و کسب مهارت‌ها با سختی‌ها و مشقات بسیار از جمله سفر به دنیای مردگان و اخذ راهنمایی‌ها از پدر خود **سوسانو** دست و پنجه نرم می‌کند. اعتقاد بر اینست که **سوسانو** بهر صورت نقش خود را در امر ادامه ساختمان ژاپن خوب بازی کرده است. **اوکونی نوشی** با یافتن یک همکار به نام **سوکونابی کونا (sukunabikona)** که خدای کوچکی ولی با هوش بوده است مشغول ساختن کشور میشوند. **اوکونی نوشی** خدای حامی شکار، کشاورزی و دست آوردها و محصولات آن و **سوکونابی کونا** خدای تندرستی و بهداشت جانداران می‌گردد. این خدا لقب استاد دارو نیز داشته است. هر آن که **اوکونی نوشی** به خود غرّه میشود و مدعی ساختن کشور بوسیله تنها خودش میگردد سایه **سوکونابی کونا** ظاهر میشود و به **اوکونی نوشی** گوشزد میکند که او هم در ساختن کشور شریک بوده است، بهتر است زیاد بخود نبالد. **اوکونی نوشی** به تذکر **سوکونابی کونا** احترام گذاشته با تقدیر از زحمات او، او را سلطان توپوآشی هاراناکاتسوکونی (کشورروی زمین) میکند.

مناسبات بین این دو خدا محتوی آموزش اخلاقی در ژاپن است. به خود غرّه نشدن اصل اخلاقی مهمی است که برای رعایت آن لازمست هر آن انسان از در نظر داشتن عناصر و نیروهای دیگری که در مناسبات نقش بازی میکنند غافل نگردد.

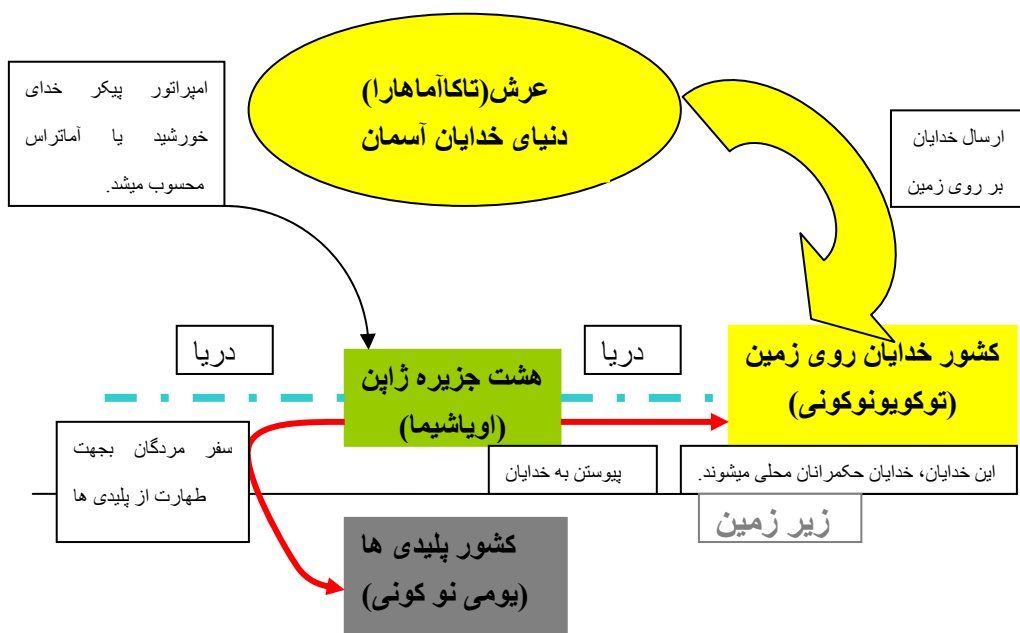
آماتراس در عرش اکنون چشم به کشور توپوآشی هاراناکاتسوکونی که اکنون در دست **اوکونی نوشی** و همکاریش قرار دارد دوخته است. **آماتراس** با جمع کردن خدایان در درگاهش نقشه تصاحب این کشور را طرح ریزی میکند. **آماتراس** برای تصاحب کشور توپوآشی هاراناکاتسوکونی (ایزومو) از **اوکونی نوشی**، فرستاده خود خدای **تاکمی کازوچی (takemikazuchi)** را بر روی زمین ارسال میکند. **تاکمی کازوچی** که خدای جنگ آور و گستاخ است با ترفند **اوکونی نوشی** را مطیع خود میکند و کشور مذبور را از چنگ او بیرون می‌آورد.

آماتراس در عرش خدای **نی نی گی (می کو تو)** را بعنوان واسطه خود بر روی زمین می‌فرستد تا سلطنت کشور نوظهور را به امپراتور وقت **جین مو (jimmu = 神武天皇)** تفویض نماید. سه علامت مقدس آسمانی، **شمشیر** و **آینه** و **گلوله کریستال** ارسالی خدای آسمان به امانت به امپراتور سپرده میشود که او نیز موظف است در عین حفاظت از آن‌ها به فرزندان خود که سلطنت را به ارث خواهند برد منتقل کند. این سه علامت تقدس خدائی دارند و در معبدی که محل عبادت و احترام امپراتور مقرر میشود نگهداری میگردد.

اصولن استوره‌ها ساخته ذهن انسان هاست، از درون زندگی آن‌ها استنتاج شده و چه بسا به عامل بسط دهنده شکوفائی و یاری رساننده در زندگانی نیز تبدیل میگردد. ولی میتواند زمانی با سیاست و قدرت بیامیزد و بصورت ابزاری کارآمد در دست قدرت مندان به استقرار و استحکام حکومت آن‌ها یاری رساند. کشور توپوآشی هاراناکاتسوکونی در عصر اقتدار امپراتوری از جنبه جغرافیای سیاسی- اقتصادی بسیار مهم برخوردار بوده است که خدایان در آسمان بسادگی از آن نمی‌گذشتند. این کشور شهر **ایزومو (Izumo = 出雲)** (شکل 2) در استان شیمانه فعلی واقع شده و در عصر امپراتوری قرن هفتم از مناطق مورد مناقشه با شبه جزیره کره بوده است. زیرا که این کشور از زمین‌های بارور و قابل کشت و طبیعت سرسبز و شکوفائی برخوردار بوده

است.

در قرن ششم که استوره ها بدستور امپراتور مرتب شد لازم بود در جهت توجیه سیاست های حکومت امپراتوری وقت تنظیم شوند. امپراتور پیکر (نوه) مقدس زمینی **آماتراس** خدای برجسته ی آسمان است، و سرزمین یاماتو (خطه حکومت امپراتور بر روی زمین) مترادف با آسمان یا عرش خدایان تعبیر میگردد. بنابراین کشور توپوآشی هاراناکاتسوکونی یا **ایزومو** که خدای **اوکونی نوشی** بر آن صدارت میکرد بایست تحت نظارت امپراتوری قرارگیرد. همان گونه که در شکل 3 نمایش داده شده است خدایانی که به عنوان نمایندگان خدایان آسمان بر روی زمین ارسال شده اند بیشتر مورد ستایش اربابان و حکمرانان محلی بوده اند. امپراتور که از نزدیکان، فرزند خدای بزرگ آسمان، **آماتراس** است در سیاست دخالت نمی کند ولی ناظر بر اعمال حکمرانان خواهد بود.



شکل 3 رابطه خدایان و مردم در استوره های ژاپن- خدایان روی زمین که از طرف خدایان آسمان نمایندگی میکنند در بی کران آنطرف دریا منزل دارند. مردم ژاپن معتقدند که پس از مرگ به آن ها می پیوندند.

به عبارت دیگر تدبیر کنترل خدایان روی زمین در راستای سیاست کنترل حکمرانان محلی اعمال شد تا بدین وسیله یکپارچگی و وحدت کشور و جامعه تحقق بخشد. امپراتور ژاپن که فرزند **آماتراس** بر روی زمین قلمداد میشود به شکل یک سنت موروثی تا به امروز به جایگاه خود ادامه میدهد. گو این که ژاپن بعد از شکست در جنگ دوم جهانی مسئولیت و قدرت سیاسی را از امپراتور سلب میکند.

امپراتور حاضر 125 مین امپراتور ژاپن همچنان پسر زنخدا **آماتراس** می باشد. درحاشیه بد نیست بدانیم شهر **ایزومو**¹⁰ که به شهر خدای **اوکونی نوشی** نیز مشهور است هم

10 شاید بشود شهر یزد را هم سان این شهر ایزومو دانست. یزد در عصر باستان به شهر "یزدان" معروف

اکنون نیز میعادگاه خدایان نامیده شده و هر سال در ماه اکتبر مراسمی در معبد این شهر (معبد ایزومو) به نام کامی آری زوکی (神あり月 = kami-ari-zuki) که به معنای ماه پر از خدایان است بر پا می‌گردد. خدایان در این ماه از سراسر ژاپن در این معبد جمع میشوند تا با هم پیمان دوستی برقرار کنند. بقیه نقاط ژاپن در این ماه به ماه کان نا زوکی (神無月 = kan-na-zuki) یا ماه بدون خدایان نامیده میشود (بنمایه 5).

سیر تحول استوره ها و باورهای دینی در تاریخ اجتماعی

ژاپن کشوریست با طبیعت سرسبز غنی ولی محروم از منابع زیر زمینی. ژاپنی ها مخصوصاً در اعصار قدیم که هنوز توانائی تولیدات مصنوعات را نداشتند در عمق طبیعت و با کمک از آن امرار معاش میکردند. زندگی روزانه ژاپنی ها به این طبیعت غنی که منبع و موخذ تغذیه، و تامین کننده دیگر احتیاجات فردی و جمعی آن ها بود کاملن وابستگی داشت. این وابستگی اجبارن جایگاه طبیعت را در نظر آن ها بس بلند و ارجمند جلوه داد، به گونه ای که سرنوشت خود را در گرو آن میدیدند. اگر چه همین طبیعت در عین رعت و بخشندگی زمانی هم غضب میکرد و آن ها را در امواج سهمگین سیل و زلزله و طوفان و دیگر سوانح طبیعی به کام خود در میکشید. بهر صورت این طبیعت در پیش مردم جایگاهی سرنوشت ساز، روح مقدس پنداشته، و بالاخره از مقام "خدا" گونگی برخوردار شد. سرچشمه خدایان ژاپنی ها در طبیعت، از عناصرو پدیده های طبیعی شکل گرفتند. فرد و گروه، خدایان خود را بر حسب سلیقه و آرزوی خود در رابطه با زندگی روزانه خود انتخاب میکردند و با ستایش و عبادت آن ها، قلبن از حمایت های آن ها بهره میگرفتند.

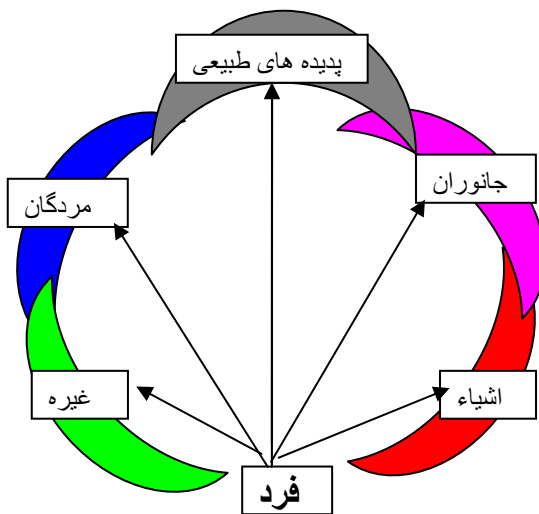
■ در اجتماعات اولیه از جمله عصر **جومون** و **یایوی** که ساختار اجتماع بسیار ساده و از گردهم آئی های کوچک خانوادگی و یا اقوام اولیه متشکل شده بود افراد و یا جماعت ها در انتخاب خدایان خود از آزادی کامل برخوردار بودند (جدول 2). خدایان متنوع و در رابطه با تجربیات ملموس زندگی روزانه پدیدار میشدند اما در سیر تاریخ بهمره اوضاع اجتماعی تغییرات کمی و کیفی میکردند.

جدول 2 باورهای استوره ای، دینی و عقیدتی ژاپنی ها در اعصار گوناگون

دوران های تاریخی	سازمان اجتماعی	باورهای استوره ای- دینی
عصر جومون (Jomon) 縄文 12000 سال تا 200 سال قبل از (میلاد)	شکار، ماهیگیری، سفال گری تپه صدف (محل عبادت)، زندگی مشترک گرداگرد دایره	روح جنباننده در ارکان چهارگانه آب، آتش، باد و خاک. وجود روح درگذشتگان
عصر یایوی (Yayoi) 弥生	تولید زراعی، کشت برنج، مالکیت	خدای زراعت، خدای آب و

بوده است زیرا در آن جا آتشکده و اماکن زیادی جهت عبادت مومنین بر پا شده بوده است. اسکندر پس از شکست دادن شاهنشاهی هخامنشی به این شهر لطمات فراوان وارد نمود. علاوه بر ویران نمودن معابد و آتشکده ها زندان مخوفی که به سان سیاه چال بود در این شهر بنا نمود تا شاهان و وابستگان آن ها را در آن زندانی کند.

<p>خورشید، اجتماع ارواح گذشتگان در کوه ها برای حفاظت از کشتزارها</p>	<p>خصوصی، تقسیم کار، تولیدات مسی(سرنیزه برای راندن ارواح خبیثه، سینی آینه وار برای انعکاس نور خورشید، دلو برای خدای آب)</p>	<p>(از 800 سال قبل تا 200 سال بعد از میلاد)</p>
<p>خداگونگی کوه می وا(Miwa) در نارا، قداست امپراتور بعنوان عابد این کوه، خداگونگی امپراتور و عبادت قبور آن ها، مترادف دانستن امپراتور با خدای خورشید(آماتراس) که برتر از خدایان روی زمین شد. پیدایش پندار تبعیض بین خدایان، باوری که رویاروی باورهای شینتویی که استوار بر اندیشه تساوی خدایان بود قرار گرفت.</p>	<p>کشاورزی، پیدایش امپراتوری های مقدس، امپراتوری یاماتو (Yamato chotei)- افزایش مهاجرت خارجی ها به سرزمین ژاپن از طریق چین و شبه جزیره کره. طبق پژوهش های فراوان این افراد که دست درازی در انجسام بخشیدن به نظام حکومتی داشتند از کشورهای خاورمیانه به خصوص ایران از راه جاده ابریشم آمده بوده اند.</p>	<p>عصر کوفون یا قبور بزرگان 古墳(Kofun) (220 سال قبل از میلاد تا قرن هفتم بعد از میلاد)</p>
<p>پذیرش آئین بودیسم با وجود مقاومت سرسختانه پیروان متعصب آئین شینتو.</p>	<p>آسکا در شهر نارا پایتخت شکوفائی فرهنگ جدید و انجسام بیش از پیش نظام امپراتوری میگردد. قانونمند کردن امپراتوری و برقراری امنیت اجتماعی سراسری.</p>	<p>عصر آسکا و نارا(Asuka 飛鳥-奈良=Nara) از میانه قرن ششم تا قرن نهم بعد از میلاد</p>
<p>پیدایش شاخه های تازه بودیسم از جمله شاخه بودیسم اسرار(می گیو) که کوشش کرد تا بین دو آئین شینتو و بودیسم آشتی و تلفیق ایجاد کند.</p>	<p>اصلاحات سیاسی از جمله انتقال بسیاری از اختیارات امپراتور به رجال و امرای درباری. اختیارات منطقه ای هم صورت گرفت.</p>	<p>عصر هی آن(Heian = 平安) از قرن نهم تا قرن دوازدهم بعد از میلاد</p>
<p>جدائی شینتو و بودیسم، تحت فشار قرار دادن بودیسم ولی حمایت از باورهای شینتوییسم و استفاده از آن برای تقویت جایگاه امپراتور</p>	<p>مدرن سازی (تمرکز قدرت سیاسی، ترقی علمی و اقتصادی با یادگیری از پیشرفت های غرب)، تجاوز به کشورهای مجاور برای تصاحب منابع آن ها.</p>	<p>عصر می جی(Meiji)، تای شو(Taisho)، شووا(Showa)- از تاریخ 1868 تا 1945</p>
<p>آزادی ادیان و باورهای عقیدتی- جدائی دین از سیاست</p>	<p>ادامه سیاست های اقتصادی و ترقیات علمی- آزادی احزاب و فعالیت های سیاسی، امپراتوری مشروطه واقعی</p>	<p>عصر دمکراتیک بعد از جنگ- شووا و هی سی(Heisei) از 1945 تا زمان حاضر</p>



در عصر **جومون** انتخاب شخص در گزینش و عبادت خدای خود آزادانه بوده و محدودیت در نوع آن وجود نداشته است. خدای دیگران هرگز شخصی را که او را برنگزیده است را تنبیه نمی کند.

شکل 4 خدایان مورد عبادت فرد در عصر جومون متنوع بودند.

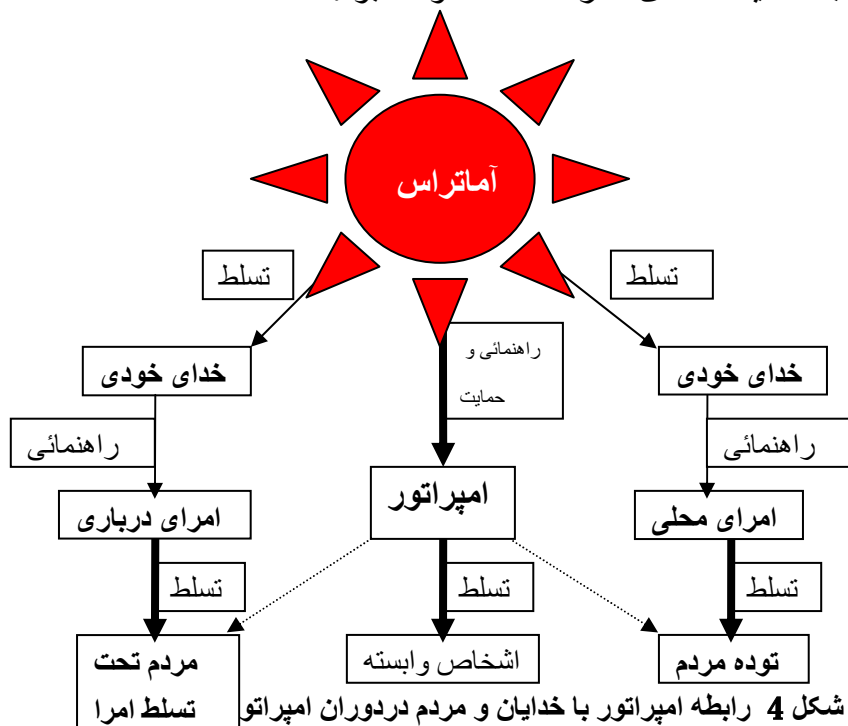
■ در عصر **یایوی** که زراعت اگر چه در شکل ابتدائی آن رواج مییابد خدای حامی زراعت مورد عبادت زارعین و ساکنین قرای بوده است. خدای زراعت ممکنست خدای ارباب یا امرای محلی نیز بوده باشد. خدای زراعت در عصر **یایوی**، **اوکونی نوشی** بوده و مضافن این که در این عصر عبادت روح درگذشتگان خود بسیار رواج می یابد.

با افزایش جمعیت، شکل گیری اجتماعات بیشتر و پیچیدگی مناسبات بین افراد و اجتماعات گوناگون تضاد منافع اقتصادی، سیاسی در اجتماع نیز افزایش یافت. افزایش تضادها که منجر به درگیری ها و تنش های اجتماعی میشد احتیاج به وجود نیروئی متمرکز و قدرتمند که قادر باشد نظم و امنیت اجتماع را تضمین کند هر چه بیشتر احساس گردید. با استقرار سلسله امپراتوری **یاماتو** در قرن سوم میلادی کوشش هائی در راستای تحقق احتیاجات اجتماعی صورت میگیرد. امپراتور **یاماتو** بتدریج با یاری گرفتن از باورهای دینی سیاست متمرکز قدرت فرمانروائی خود را تثبیت میکند. برای تمرکز زائی امپراتور خدای خورشید، **آماتراس** را که در آسمان فرای طبیعت ملموس مکان دارد و طبیعتن از خدایان روی زمین بلند جایگاه ترست خدای خود تعیین کرد (جدول 2). بدینوسیله کنترل خود را بر روی والیان منطقه ای عملی کرد. او روح **آماتراس** نامیده میشد که مسئولیت انتقال پیام های **آماتراس** را به موجودات روی زمین بعهده دارد.

■ در عصر **کوفون** قبور امپراتورها از ارج خاص برخوردار بوده است و مورد عبادت مردم قرار میگرفته است. اگر چه امپراتور مانعی برای عبادت خدایان پیشین مردمی ایجاد نمی کرده است ولی با یک سیاست نرم مراسم دینی را به نحوی با دربار مرتبط میکند. شکل 4 رابطه امپراتور با خدایان، و مردم را ترسیم میکند. مستقیمن امپراتور و یا امرای درباری او در باورهای دینی مردم عادی دخالت نمیکرده اند.

سیاست عملی دیگری که در این عصر انجام گرفت و تاثیر مثبتی داشت ایجاد یک ارتباط بین مناسک دینی درباری با مناسک منطقه ای بود. امپراتور با گزاردن متولی و مجری مناسک دینی حکومتی در معابد سراسر کشور سعی کرد پندارها و حرکات دینی را در ارتباط با سیاست حکومت هم آهنگ و منظم کند. دادن کمک های مالی و جنسی به خان های محلی برای برگزاری

مناسک نیز از جمله سیاست های کنترل کننده حکومت بود.



از جمله به دو رسم که با کمک های حکومتی برگزار میشد اشاره میکنم. یکی مراسم دعا خوانی بذر پاشی (توشی گوی نو هوهی) در فصل کشت و دیگری تقدیم برنج در زمان درو محصول (نی نامه سای نویوکی، سوکی) است که معروفیت دارند.

از رویدادهای بسیار مهم تاریخی که باعث یک گردش رادیکال و بنیادی در فرهنگ و ساختار اجتماعی این عصر ژاپن که شامل عصر فرهنگ آسکا و هی آن است بوقوع پیوست یکی معرفی آئین بودیسم و تدوین قانون مدیریت مملکت بوسیله کاهن بزرگ شاهزاده شو توکو (聖徳太子 = shotokutaishi) میباشد. اگر چه سلسله حکومت امپراتوری یاماتو ادامه دارد اصلاحات سیاسی قابل توجهی به آن تحمیل میگردد. با این اصلاحات حکومت مجبور میشود تا اندازه ای با واگذاری پست های سیاسی به مقام های زیر دست و تفویض مسولیت ها به ایالات از قدرت متمرکز بی چون وچرای خود بکاهد. ورود و یا معرفی آئین بودیسم طبق یک نظریه ای در سال 536 (یا 552) میلادی اتفاق می افتد. گو این که آئین بودیسم ژاپن از پایه های اصلی بودیسم سنتی (که در کشورهای آسیای جنوب شرقی گسترش یافت) برخوردارست پژوهشگران بودیسم ژاپن (Mahayana ماهایانه) را تلفیقی از بودیسم و میترائیسم و آئین مانی ایرانی میدانند. (ما در فصول آینده به نفوذ فرهنگ ایران باستان بر باورهای دینی و تحولات بودیسم خواهیم پرداخت).

پیاپی رواج بودیسم پادشاه یکی از ولایات کره (百濟 = Bekje) با ارسال تندیس بودائی (فرتور 5) به دربار امپراتور ژاپن گرایش به این آئین را تقویت میکند.



فرتور 5 می روکوبوساتسو یا میترا، یا مایتریای هند- محققین درتفسیراین تندیس لزومن نظر موافق ندارند. برخی میترا که به بودای آینده نیز معروف است را در حال تفکر و جستجوی راه خوشبختی انسان میدانند ولی برخی این تندیس را اصولن متعلق به خود بودا قبل از مکاشفه اسرارعالم و رسیدن به مقام بودائی می پندارند(بنمایه 6)

معرفی این تندیس در زمان بیست و نهمین امپراتور(سال 552 میلادی) که به امپراتور کی می (欽明天皇 = Kimei ten-no) شهرت داشت رویداده است. این امپراتور با دیدن این تندیس شادمان شده و بی اختیار با پایکوبی و جست و خیز چنین میگوید: "چهره تندیس بودائی که از کشور همسایه باختری معرفی شده است چه درخشان است! من که چنین چهره درخشان خیره کننده ای را تا به حال ندیده بودم آیا باید آن را مورد پرستش قرار داد." ¹¹

پژوهشگران برخورد امپراتور را با این تندیس آغازگر باور به بودیسم نوینی میدانند که بر پایه درخشش و روشنائی خیره کننده استوار است. و این رویداد سرآغاز پرورش و اشاعه باورهای میشود که آئین بودیسم ژاپن را از نوع هندی آن متمایز نماید.

در مورد هویت این تندیس لزومن اتفاق نظر وجود ندارد ولی تعلق این تندیس به می روکوبوساتسو(弥勒菩薩 = Mirokubosatsu)، میتراى ایرانی و یا مایتریای هندی پیش بسیاری از محققین محرز شناخته شده است. گو این که تندیس فوق الذکر از شبه جزیره کره معرفی میگردد ولی مهندسی و تصویرروحانی آن محصول مهارت های فنی و آئین های مرسوم

¹¹ (西の隣の国が献上してきた仏像の顔はキラキラしている。今まで見たこともないようなものであるが、これを礼拝すべきだろうかどうか)

در ایالات شمال و شمال شرقی ایران (آسیای میانه) و شمال غربی هندوستان شناخته شده است. نظر غالب بر اینست که هم ساخت معابد، تندیس ها و هم نوع آئین بودائی که به ژاپن آورده شده است توسط مردم این خطه طی سفرهای پر مخاطره آن ها که از راه های آبی و زمینی جاده ابریشم به ایالات چین و از آنجا به شبه جزیره کره انجام گرفته تحقق یافته است¹². به همراه آنچه که مربوط به آئین بودیسم است آثار بسیار زیادی در رابطه با دین زرتشت و مهرپرستی (میترائیسم) ایرانی در دوره **آسکا** (دوران پادشاهی ساسانیان) و **هی آن** در ژاپن به میراث گذاشته شده است. (ما در مقالات دیگر به پیوندهای فرهنگی در زمینه باورهای دینی، معماری ها و آداب و رسوم بین ایران و ژاپن پرداخته ایم).

ورود آئین بودیسم که طبیعتن حامیان آئین **شینتو** را غضبناک کرده و گاهی منجر به تحرکات مقاوت آمیز آن ها شده بود نمیتوانست موجب تصادمات و برخوردهای خون آلود جدی نشود. پیروان **شینتو** علاقه ای به پیروی و یا الگوبرداری از معبود انسانی مشخص (مثل بودا و یا کاهنان بودائی که خدایان خارجی نامیده میشدند) یا تندیس های آن ها نداشتند و بیشتر گرایش به پرستش معبود خود در عالم انتزاع و خلوت خصوصی داشتند. در تزئینات عبادی دو آئین تفاوت های ماهوی دیده میشود. همان گونه که در فرتور **6** و **7** مشاهده میشود در تزئینات **شینتو** از تندیس و یا تجسم عینی شخصیت های مقدس بر خلاف آنچه که در آئین بودائی مشاهده میشود خبری نیست، تنها اشیائی که نماد خدائی و تقدس دارند و به شادی روح رفتگانشان می انجامد تهیه دیده میشود.



فرتور 6 تزئینات این شینتو برای عبادت- اشیای نمادین از جمله میوه، برگ درخت، آینه و غیره در این طاقچه دیده میشود. به سازه حصیری که به مانند طناب پیچیده



فرتور 7 تزئینات آئین بودائی برای عبادت، شده شیمه ناوا میگویند، فرضیه اقتباس آن از آرم فرورد شخصیت نمادین بودائی در وسط مشاهده میشود. (فروهر) ایران باستان وجود دارد.

¹² رابطه بین ایران و چین بخصوص در قرن دوم میلادی در دوران مهرداد دوم پادشاه اشکانیان رونق یافت. طبق آثار مکتوب تاریخ نویسان چینی دینمردان پارت از جمله **An-Shih Kao** به چین سفر کرده و در ساخت معابد بودائی نقش داشته است. او ضمن کمک های شایانی در کار ترجمه کتاب های بودیسم سنتی (هی نایانه) (**Hinayana**) به زبان چینی کرده است. کاهنان پارت دیگری از جمله **An-Hsuan** و **An Fachiin** و **Tan-Ti** در شمار کسانی بودند که بین قرن دوم و سوم به چین رفته اند- نقل از بنمایه **7**. معرفی فرهنگ ایران باستان به چین و از آنجا به ژاپن و کره تا انقراض شاهنشاهی ساسانیان بوسیله اعراب مسلمان همچنان ادامه داشته است.

از طرفی رنگ باختن آئین شینتو در عصر غلبه آئین بودیسم مصادف میشد با کاهش قدرت امپراتور که بی شک باعث رنجش و ناخوشنودی کسانی هم میشد. از ورود به داستان درگیری های پیروان این دو آئین و خصوصیات بودیسم ژاپن اجتناب میکنم ولی این مقوله خود بحث تاریخی جالبی است.

■ در عصر **هی آن** ظهور شاخه های بودیسم جدید مشاهده میشود که با شامل نمودن باورهای مکتب شینتو در خود سازگاری با این آئین را هدف قرار میدهد. با پیدایش شاخه های بودیسم **جودو** یا سرزمین پاک (**浄土 = jodo**) و **می کیو** یا مکتب اسرار (**密教 = Mikkyo**)¹³ تا اندازه ای از تنش ها بین مکاتب بودیسم و آئین شینتو کاسته میشود. تلفیق روح یا "خدا"ی شینتو با شخصیت های منور بودائی به طرق گوناگون انجام میگیرد. در نوع جدید بودیسم که در عصر **هی آن** تظاهر میکند "خدا" نماد یا حلول شخصیت بودا مقرر گردیده که از نیروی منجی بودائی برخوردارست. به عبارتی مقام الهه بودائی برتر از "خدا"ی شینتو گردیده، ولی "خدا" از حمایت بودا برخوردارست. حاجت انسان با عبادت و ستایش خدا به روال همیشگی برآورده میگردد. یکی از نمونه های باورهای تلفیقی جدید که با مقدسات بودائی سازش کرد فرقه **شوگندو** (**修験道 = Shugendo**)ی **شینتو** میباشد. اساس باورهای این فرقه تجربه حالت وجد از طریق پیمایش راه های صعب العبور و طولانی درون کوه هاست. مغ های پیاده که اصطلاحن به **یامابوشی** (**山伏 = Yamabushi**) (فرتور 8¹⁴) معروف اند شاید روزها و شب ها با پیاده روی در کوه های سرسبز یک جو عرفانی و روحانی را تجربه میکنند. پس از ورود آئین بودیسم **یامابوشی** ها کوه ها را مکانی برای عبادت پیکرهای نمادین الاهان مقدس بودائی تعبیر کردند. به این پیکرهای نمادین **گوگن** (**権現 = Gogen**) یا تناسخ بوداها (**Avatar**) میگویند. زائو (= **蔵王 Zao**) (فرتور 9) گوگن یکی از این تناسخ ها میباشد که قبله عبادت واقع شده است. الاهان مقدس بودائی الهام دهنده در زائو **گوگن شینتو** گوتاما بودا (بودای تاریخی یا قدیم)، کان نون یوساتسو (**Kannon-bosatsu = 観音菩薩**) (بودای امروز یا شخصیتی که مشغول آموزش شاگردان خود بر روی زمین است) و می روکو (میترا که به بودای آینده معروف است) تقدسات اصلی **شوگندو** را تشکیل میدهند.

13 در آئین های جدید بودیسم ژاپن چه در دین جودو و چه در شاخه های می کیو عناصر بسیار از فرهنگ ایران باستان، آئین زرتشتی و میترائیسم نفوذ کرده است که نیاز پرداختن به آن ها هست. می کیو یا **esoteric Buddhism** شامل دو شاخه آئین **تِن دای** (**天台 = Tendai**) که توسط کاهن بزرگ سای چو (= **最澄 Saicho=778-822**) و دیگری شین گون (**真言 = Shingon**) توسط مغ اعظم کوکای (= **空海 Kukai=774-835**) از چین به ژاپن معرفی گردیدند میباشد. عناصر فرهنگ ایرانی در هر دو این آئین ها مشاهده گردیده است که حائز اهمیتند. (در صفحات آینده به معرفی این عناصر فرهنگی می پردازیم.)

14 یامابوشی ها روی پیشانی خود جعبه خالی کوچکی که به توکین (**tokin**) معروف است می بندند. این توکین را برگرفته از نفوذ رسم کلاه سمبولیک یهودی ها (عرق چین) میدانند که همیشه بر فرق سر می گذارند. به این سایت نگاه کنید: <http://www5.ocn.ne.jp/~magi9/isracame.htm>

یهودی های ایران عرق چین را روی پیشانی خود تزئین میدهند.



فرتور 8 رژه یامابوشی در حین برپائی مراسم



فرتور 9 زانو گوکن با چهره ای خشمگین و حاله ای از آتش در اطراف سر خود

از طرفی در شاخه می کیو یا مکتب اسرار بودیسم فرقه تلفیقی ریوبو شینتو (= 両部神道 Ryobu-Shinto) که به معنای ائتلاف الهه بودیسم با خدای شینتو است تاسیس گردید. در این تلاش خدای اعظم شینتو آماتراس با دای نیچی (= 大日 Dainichi) الهه مکتب اسرار می کیو برابر گذاشته شد. دای نیچی که به سانسکریت (Mahavairocana) نامیده میشود معنای خورشید اعظم دارد که این همانی آن با آماتراس قابل فهم است. (Vairocana به معنای خورشید تابان مترادف با مایتریا یا میترا است.) (Maha به معنای اعظم است.)

بهر صورت چنین بودیسم های تلفیقی که با برتر دانستن تلویحی مقام بودائی بر "خدا"یان شینتو یا برابر دانستن آن دو مقام که طراحی شده بود دیری نپائید با انتقاد و مخالفت سخت کاهنان برجسته شینتو روبرو گردید.

■ در عصر کاماکورا (鎌倉 = Kamakura) طی دو قرن دوازده تا چهارده سرداران ایلات محلی نسبت به فرمانروائی متمرکز امپراتوری سر طغیان برافراشته با تمرد از آن به قدرت مستقل دست می یابند. در این دوران یک موج ملی گرایی گستاخانه سر بر می آورد که مقوله دین و باورهای تقدسی موجود را نیز اماج حملات خود قرار میدهد. کاهنان شینتو به اصل برتری مقام بودا بر منزلت "خدا"یان بومی ژاپنی اعتراض میکنند و به جای الگوی بودیسم تلفیقی عصر می آن به ارایه الگوی جدیدی که در آن مقام "خدا"یان بومی برتر از شخصیت های بودائی مقرر میگردد مبادرت می ورزند. در نوع دین تلفیقی جدید هر الهه بودائی نماد یا حلول نیروی اسرارآمیز "خدا"یان پنداشته شده که برای نجات و رستگاری انسان ها در دینای خاکی ولو بطور موقت به زندگی با مردم ادامه میدهند. در باورهای جدید حتا از طریق عبادت شخصیت های بودائی که نمایندگانی از طرف "خدا"یان بومی اند تحقق حاجات امکان پذیر میگردد. در این عصر عبادت هفت خدای بخت (Shichifukujin=七福神) که تبار آن ها را خارجی میدانند رایج میشود. ما در فصول آینده به معرفی این خدایان خواهیم پرداخت.

■ در عصر می جی (Meiji=1868-1912 = 明治) که 44 سال ادامه یافت تغییرات بنیادی در سامانه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ژاپن رخداد. واژه می جی خود به معنای عصر

شکوفائی و روشنگری است. تمرکز هرچه بیشتر فرمانروائی در دولت مرکزی، تاسیس مجلس نمایندگان و خبرنگاران انتصابی امپراتور و انتخابات محدود (صلاحیت شرکت مردان در انتخابات) ولی همگی محبوس در ضلع تحتانی هرم قدرت بالامنزاع امپراتور از مشخصات سیاسی این دوره بشمار می آیند. تمام لوایح و قوانین در نهایت با تصویب امپراتور ضمانت اجرائی پیدا میکردند. رشد اقتصادی به گونه ای فراگیر با بهره گیری از دست آوردهای علمی، فنی خاور تسهیل میگردد. طمع برای ادامه و پایدار نگاه داشتن رشد اقتصادی بالا نهایتاً در دوره امپراتورهای بعدی به تجاوز و استعمار و استثمار کشورهای همسایه از جمله چین و کره می انجامد. گو این که در جایی این نظام به نظام مشروطه سلطنتی نامیده میشود ولی از بنمایه دمکراتیک بالائی برخوردار نبوده است. در راستای تقویت و استمرار ستون های بنای امپراتوری ادیان رایج در جامعه نیز دشتخوش دگرگونگی های چشمگیری میشود. این بار قانون جدائی آئین **شینتو** و **بودیسم** همزمان با تاسیس دولت **می جی** در سال **1868** صادر میگردد. با برگشت به اعتقادات "خدا"یان غایب در آسمان ولی حلول روح پایدار آن ها در تن فرمانروایان روی زمین بخصوص امپراتور توجیه اجباری قداست امپراتور را در میان آحاد ملت تسهیل میکند. امپراتور در این دوره شخصیت و حقیقت مطلق یا همان فرزند **آماتراس** خدای نورانی خورشید صفت است که عدول از دستورات او با اتهام ضدیت در برابر حکومت خدائی روبرو خواهد شد. همزمان با قدرت گرفتن و رواج چشمگیر مجدد آئین های **شینتو** فشار و سرکوبی پیروان آئین **بودیسم** و **شوگندو** شدت گرفت. بسیاری از معابد بودائی به آتش کشیده شد، و عناصر بودائی درون معابد **شینتو** (جین جا) که نماد آشتی این دو آئین بودند به بیرون انداخته شدند. ولی دین ترسائی (عیسویت) مجاز شماره شده چرا که رابطه با خاور در مرکز سیاست های رژیم قرار گرفته بود. معابد **شینتو** و فعالیت های پیروان آن تحت نظارت حکومت واقع شد. معابد به معابد تحت قیومیت و نظارت امپراتور و معابدی که تحت کنترل دولت قرار گرفت تقسیم شد که البته این نهادهای دینی از مزایا و امتیازات بالاعوض دستگاه حکومتی برخوردار شدند. فعالیت و تبلیغات آزادانه این معابد ممنوع شد. با این وجود متون و مضامین دینی و اعتقادی **شینتو** دست نخورده باقی ماند. در جمع باید اذعان کرد که خود آئین **شینتو** که این بار خصلت حکومتی به خود میگیرد آزادی فعالیت نظری و عملی را از دست میدهد.

اما اثرات مخرب اجتماعی و فرهنگی این سیاست ها بعد از چند سال حکومت را مجبور به تجدید نظر کرد. قانون جدائی آئین های **بودیسم** و **شینتو** باطل گردیده، آزادی اعتقادات و گرایش های دینی برسمیت شناخته شد، ولی جایگاه امپراتور در سیاست و مقام رفیع دینی او محفوظ باقی ماند.

بعد از دوره **می جی** روند حکومت و جایگاه بلامنازع امپراتوری در سیاست در دوره های امپراتور **تای شو** (大正 = Taisho=1912-1925) و **شووا** (昭和 = Showa=1925-1988) نیز دست نخورده همچنان ادامه می یابد. در این فرایند است که سکان قدرت دولتی به دست نظامیان انتقال می یابد که سیاست های نظامی گری آن ها که مورد تائید امپراتوری نیز قرار میگیرد نهایتاً به تجاوز به خاک کشورهای همسایه چین، کره و کشورهای آسیای شرقی و غارت منابع آن ها می انجامد. ژاپن نهایتاً در جنگ با آمریکا پس از تحمل خسارات جانی و مالی فراوان شکست خود را پذیرفت و در اگوست **1945** تسلیم سیاست های آمریکا در این منطقه گردید.

■ بعد از شکست ژاپن در جنگ با آمریکا، قانون اساسی این کشور با مداخله وسیع آمریکا تدوین و تصویب گردید. قانون اساسی ژاپن یکی از نادرترین قوانینی است که دموکراسی در سطح وسیع و عمیقی در آن رعایت شده است. در این قانون جدائی کامل دین از سیاست، آزادی های مدنی، فرهنگی، مکتبی و مرامی به گونه ای وسیع تضمین شده است. در قانون اساسی جدید امپراتور از دخالت در سیاست منع شده، به سمبول کشور تبدیل شده است. نه فقط آئین های بودیسم و شینتو تمام ادیان و فرقه های روحانی و عرفانی دیگر نیز از آزادی در برگزاری مناسک خود، تبلیغ و اشاعه آن برخوردارند.

تأثیر تمدن و فرهنگ ایرانی در تحولات اجتماعی و فرهنگی ژاپن

نفوذ تمدن و فرهنگ ایران خصوصاً در عصر آسکا (710-592) که به عصر شکوفائی اجتماعی و اعتلای فرهنگی ژاپن معروف است محسوس می باشد. در این عصر است که آئین بودائی با ویژگی های منحصر بفردش به سرزمین ژاپن رخنه میکند و با این رویداد فرهنگ سنتی و بومی این کشور که عموماً بر محور آئین شینتو و باورهای دینی چندخدائی استوار بود دستخوش دگرگونی میگردد. بر خلاف ژاپن که در اوایل این دوره از نقطه نظر نظم اجتماعی و تمرکز سیاسی بسیار بحرانی و لرزان به نظر می آمد چین با قدرت گرفتن سلسله سوای یا زوای (隋 = Sui) از استحکام و اقتدار بالائی برخوردار بود. پادشاهان چینی تنها به تحت کنترل درآوردن طوایف سرکش سرزمین خود اکتفا نکرده حمله به ژاپن و شبه جزیره کره را نیز در سر می پروراندند. عامل دین در ژاپن با نوآوری نه فقط باورهای دینی مردم این خطه را دگرگون کرد وسیله ای موثر برای پیشبرد سیاست های اصلاح طلبانه کشور نیز شد. در عصر آسکا با وجود مخالفت های بسیار آئین بودائی به دین رسمی حکومت تبدیل شد. آئین بودائی در ژاپن بوسیله افراد شایسته و مقتدری از جمله شاهزاده شووتوکو (= 聖德太子 Prince Shotoku) (552-621)، خانواده سوگا که نفوذ بالائی در دربار امپراتور داشتند معرفی گردید. آئین بودائی که توسط این افراد به ژاپن آورده شد از ویژگی های متفاوت با بودیسم سنتی هند برخوردار بود. زیرا که اصل و نصب این افراد نه ژاپنی نه چینی و نه هندی بلکه ریشه در سرزمین های آسیای مرکزی یا یورواسیای ایرانی داشته اند.

در باره تبارشاهزاده شووتوکوهنوز هم نظریه ثابت و قابل قبول تمام پژوهشگران وجود ندارد. برخی از آن ها اصولن وجود چنین شخصی را زیر سوال میبرند. برخی با استناد به جثه بزرگ او، بلندی قد و پهنای دست ها، تبار او را به غیر ژاپنی، و احتمالن از نوع افراد آسیای مرکزی میدانند. پدر شووتوکو امپراتوریومی (用明 = Yomei) به معنای کسی است که نور را برای مردم در اختیار دارد¹⁵. مادرشاهزاده شووتوکو، سوگانو کیتا شی هیمه (= 蘇我堅塩媛 Soga-no-kitashihime) به معنای زن آزاده ای از قوم سوگا میباشد¹⁶. نقش مرکزی قوم سوگا در معرفی و بسط آئین بودیسم و اعمال سیاست های اصلاحی عصر آسکا بوسیله آنها بر

¹⁵ An Introduction to the Simorghian Culture and Mithraism in the East Asia, By Masato Tojo: <http://www.shamogoloparvaneh.com/Englishp.html>

¹⁶ همان جا

پژوهشگران امروز پوشیده نیست.

خانواده **سوگا** را از تبار سکائی های ایران میدانند که از طریق ساخارین به همراه اقوام بومی ژاپن به این سرزمین وارد شدند. خانواده **سوگا** علاوه بر آئین بودیسم، مهارت های معماری، روش سیاستمداری، مناسک زرتشتی و میترائیسم و پدیده های مدنی و فرهنگی زیادی را به سرزمین ژاپن معرفی کردند. هم اکنون نیز آثار معماری و مجسمه های سنگی بسیاری در دهکده **آسکا** در شهر نارا از این دوره باقی مانده است.¹⁷

و اما بودیسمی که توسط تبار **سوگا** به ژاپن آورده شد از چگونه خصوصیتی برخوردار بوده است؟ آئین بودیسم این دوره را بودیسم میترائی مینامند. زیرا شخصیت مقدس مورد پرستش نه **گوتاما بودا** (Gautama Buddha) یا بودای سنتی هند (که عمومن در آسیای جنوب شرقی از جمله تایلند و برمه و ویتنام مورد پرستش بود) بلکه حقیقت تازه واردی به نام **میترا بودا** (یا میتری بورکان) (Mitri-Burkhan) که **مظهر نور و روشنائی فراخورشیدی** است قرار داشته است. این مکتب محصول اندیشه های تلفیقی **مانی بزرگ**¹⁸ (216-276) از بودیسم هند، آئین زرتشتی و مهرپرستی (میترائیسم) ایرانی بوده است. بودیسم میترائی عمومن بوسیله شاگردان مانی که در سرزمین های شمالی ایران، افغانستان، پیشاور پاکستان کنونی و شمال هند به اشاعه و تبلیغ مشغول بوده اند در سرزمین های چین، کره و ژاپن گسترش می یابد.

شاهزاده **شوتوکو** هفت معبد بزرگ در سراسر ژاپن میسازد که به پرستش بودای میترائی اختصاص دارند. میترا را در آئین بودیسم ژاپن **می روکو بوساتسو** (= 弥勒菩薩 = Miroku-Bosatsu) میگویند. بوساتسو (Buddhisatva) که مفهوم جدیدیست به معنای حقیقت مقدس روحانی است که با وجود داشتن مقام بودائی و قابلیت صعود به فراز عرش نورانی (قلمروی خورشید که بودای سنتی جایگاه دارد) برای ارشاد مردم در این جهان خاکی باقی مانده است. معبد **هوریوجی** (法隆寺 = Horyuji) معروفترین معبدی است که شاهزاده **شوتوکو** در نارا بنا نمود و دیگری **چوگوجی** (中宮時 = Chuguji) در مجاور معبد **هوریوجی** است که در آن تندیس بسیار زیبای **می روکو بوساتسو** نگهداری میشود.

معبد **آسکا** نیز یکی از معابد بسیار کهن ژاپن است که به فرمان **سوگا** در شهر فرهنگی **آسکا** توسط یک ایرانی اصیل ساخته شده است. نام این ایرانی را **کوراتسوکوری نوتوری** (= 鞍作鳥 = Kuratsukuri-no-tori) ذکر کرده اند¹⁹ که به معنای "مرغی که زین اسب میسازد" است. تندیس بودائی که در این معبد است بی شک چهره ای غیر نژاد مغولی دارد، بیشتر شباهت به مردم یورآشیا یا آسیای مرزی دارد (فرتور 10).

17 به مقاله "نفوذ تمدن و فرهنگ ایران در آثار سنگی ژاپن" از همین نگارنده نگاه کنید:

<http://www.shamogoloparvaneh.com/tazehaa.html>

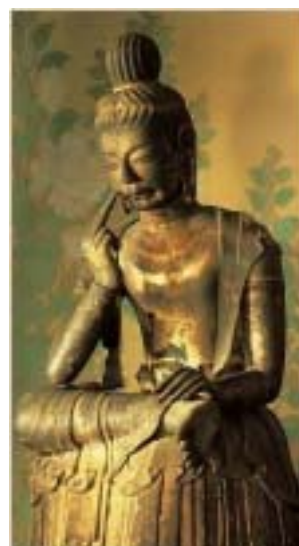
18 مانی در قریه مردینو (بصره جنوب عراق امروز) از پدر و مادر ایرانی متولد شد و آئین خود را بر اساس اندیشه های تلفیقی از ادیان یهود، ترسانی، زرتشتی و بودیسم نوآوری نمود. مانی در دوره پادشاهی ساسانیان تحت تاثیر نوسانات سیاسی و اجتماعی این دوره با بحران های زیادی در زندگی فرهنگ دینی خود روبرو میشود. او بارها مجبور به ترک وطن میشود، به سرزمین های شمالی ایران، پادشاهی کوشان، ایالات چین و غیره سفرهای زیادی کرده است. شاگردان او در این سرزمین ها پراکنده میشوند ولی اثرات معنوی و روحانی مانی بوسیله آن ها گسترش می یابد. در دوران پادشاهی بهرام اول (پادشاهی ضعیف النفس و متأثر از اطرافیان) با تحریک معبدان زرتشتی او را به طرز فجیعی میکشند. (به بن مایه 7 صفحه 192 نگاه کنید.)

19 Id. Masato Tojo



فرتور 10 راست: تندیس میترای کوشان (قندهار)- چپ: تندیس بودای معبد آسکا که چهره ای غیر مغولی دارد.

شاهزاده شوتوکو به جهت نقش شایسته و برجسته ای که در معرفی بودیسم میترائی و بناهای متعدد معابد برای پرستش بودای میترائی داشت به استوره ای جاویدان تبدیل شد که نهایتن لقب و مقام می روکوی تناسخ یافته را به خود تخصیص داد. او را حلول روح می روکو میدانند. تندیس می روکو گونه او را نیز ساخته اند(فرتور 11).



فرتور 11 راست: می روکوبوساتسو(میترای ژاپنی)، وسط: شاهزاده شوتوکو، چپ: تندیس شوتوکو در پیکر می روکو.

شاهزاده شووتوکو علاوه بر موفقیت در گسترش بودیسم میترائی شایستگی خود را در مدیریت و برقراری نظم جامعه نیز خوب بازی کرد. نظام ریتسوریو (律令制 = Ritsuryo-sei) که مواد لازم برای تعالی اخلاق اجتماعی و قوانین مربوط به مدیریت جامعه را شامل می‌گردد²⁰ از چین فراگرفته، متناسب با جامعه ژاپن در این کشور پیاده می‌کند. پژوهشگرانی از جمله کوری موتو (بن مایه 8) و توجو ریتسوریو را مشتمل از عناصر میترائیسمی و کنفوسیوسی چین بر می‌شمارند. روش سیاست مداری شووتوکو عامل بازدارنده تهاجمات چین بشمار می‌آید. در تاریخ تحولات ژاپن آنگونه که از شاهزاده شووتوکو صحبت به میان می‌آید از قوم سوگا کمتر نقل می‌گردد. ولی نقش سوگا بعنوان یک قدرت پشت پرده در تحولات ژاپن انکار ناپذیر است. قبر سوگا که با یک معماری سنگی منحصر بفرد بنا شده است در دهکده آسکای استان نارا باقی مانده و یکی از سایت های توریستی بشمار می‌آید. این قبر عظیم و به جای ماندنی نشانه ای از احترام خاص مردم قلمداد میشود که در قبال فعالیت این شخصیت سیاسی-اجتماعی ابراز شده است. این قبر دارای متعلقات متعدد بوده است ولی بعلت دستبردهای مکرر به آن در زمان کشف عاری از اشیاء یافت شده است. در فرتور 12 معبد آسکا که بدستور سوگا بنا شد و قبر معظم سنگی خود سوگا مشاهده میشود.



فرتور 12 راست: قبر سنگی سوگا و چپ: معبد آسکا در دهکده آسکا در استان نارا

نه فقط با ورود باورهای بودیسم میترائی بوسیله شاهزاده شووتوکو و سوگا دست پیروان سر سخت آئین شینتو از دخالت در سیاست و امور حکومتی کوتاه شد حتا خود متون این آئین نیز نتوانست از اعتقادات پیسکسوتان آئین بودیسم میترائی متاثر نشود. یکی از جلوه های بارز نفوذ اندیشه های سوگا در نوع بنای معابد شینتو ظاهر گردید. معابد را در عصر آسکا به گونه ای طرح و ساختمان کردند که چنانچه در 21 دسامبر (30 آذر - شب یلدا) از داخل ساختمان به سوی دروازه ورودی معبد نظر می افکندی قادر بودی غروب رمانتیک و عرفانی خورشید را در مرکز توری ای مشاهده کنی (فرتور 13).

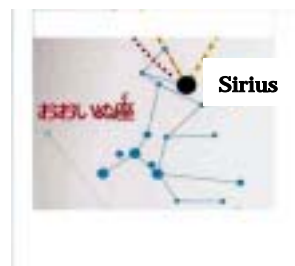
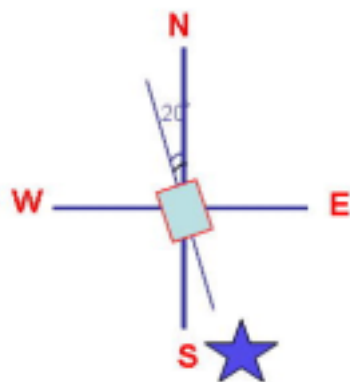
(در امتداد خط جغرافیائی شرق- غرب ژاپن معابد، کوه ها، قبور و آثار دست ساخت باستانی فراوانی کشف گردیده است تا از سوی آن ها به استقبال از طلوع و بدرقه غروب خورشید به پردازند. استقبال از طلوع خورشید و یا بدرقه غروب آن طی مراسم بومی ویژه ای انجام می‌گرفته است. نگارنده درصدد است تا در گفتاری جداگانه به این مبحث به پردازد.)

²⁰ <http://ja.wikipedia.org/wiki/%E5%BE%8B%E4%BB%A4>



فرتور 13 غروب روماتیک خورشید در مرکز توری ای
(برگرفته از مقاله ماساتو توجو در بن ماهه 8)

افزون بر این در شب این تاریخ ستاره درخشان میترا (یا تیشتر - فرتور 14) (Sirius) را که نوید زایش دو باره او را در روز بعد نوید میدهد در آسمان مشاهده میکردی (بر گرفته از بن ماهه 9). این اصلاحات در ساختمان معابد **شیتو** دنباله گسترش بلند پروازی های **سوگا** برای نهادینه کردن باورهای بودیسم- میترائی در ژاپن بوده است.



فرتور 14 ستاره میترا که تیشتر **Tishtry** یا **Sirius** نامیده میشود در شب یلدا (30 آذر یا 21 دسامبر) درست در نوک بینی دُک اکبر در زاویه 20 درجه جنوب شرقی قابل مشاهده است. روئیت این ستاره نوید بخش طلوع خورشید میترا در روز بعد (اول دی) است. همین ستاره بود که سه خردمند ایرانی را راهبری کرد تا خانه در خفای حضرت عیسی را در بیت المقدس فلسطین بی یابند. قبور بسیاری از امپراتورها و یا قبر سنگی خود سوگا را در جهت ستاره میترا ساخته اند.

پژوهشگر ژاپنی کوری موتو بر این باور است که کاخ های پارسه (تخت جمشید) نیز در جوار کوه میترا (اکنون رحمت می نامند) در زاویه 20 درجه جنوب شرقی بنا گردید بودند تا ستاره میترا را بتوانند به آسانی روئیت کنند.

در همین عصر است که خدای معروف و اعظم **شینتو** به نام **آماتراس** (= 天照大神 Amaterasu-omikami) (خدای خورشید تابنده) جلوس میکند. (شرح این خدا در صفحه 7 به تفصیل آمده است.) پیدایش این خدا را نیز حاصل نفوذ باورهای دینی ایرانی ها از نور و خورشید و آتش میدانند.

ادبیات بدیع در عصر آسکا

در عصر **آسکا** به همراه باورهای اعتقادی تازه مجموعه واژگان نوینی در ادبیات دینی متداول میشود که بد نیست در اینجا به ذکر نمونه هائی از آن ها به پردازیم.

سوگا: "سوگا" را به ژاپنی **蘇我** مینویسند. "سو" در واژه "سوگا" را منسوب به واژه سکا که این همانی با اقوام سکائی (Saca/Scythai/Sacca) دارد میکنند. خانواده **سوگا** از راه جاده ابریشم با عبور از ساخالین مستقیم به ژاپن مهاجرت کردند. واژه نگاشته شده "سو" به معنای لینیات است که با گاو در ارتباط است. "گا" در واژه "سوگا" به معنای ابزار جنگی است. مهارت سوارکاری "سوگا" نیز زبان زد بوده است.

آسکا: واژه "آسکا" را به ژاپنی **飛鳥** می نویسند. این واژه در نگارش به معنای مرغ پرواز است که هرگز با تلفظ آن هم خوانی ندارد. اما سرچشمه تلفظ این واژه کجاست؟ واژه "آسکا" از دو بخش "آ + سکا" تشکیل شده است که سکا را منسوب به قوم سکائی که خاستگاه **سوگا** است میدانند. "آ" در واژه "آسکا" آرک یا آرک است که در فارسی به معنای قلعه میباشد و برخی هم آن را محل مقدس تعبیر کرده اند (بن مایه 9). پس واژه **آسکا** جمعن به معنای قلعه یا جایگاه سکای مقدس که آشیانه مرغ پرواز است و نشان از نفوذ مفهومات فرهنگ مرغی یا سیمرغی ایران باستان²¹ دارد.

توری ای: به دروازه معابد **آئین شینتو** "توری ای" میگویند (به فرتور 2 و 12 نگاه کنید) و به ژاپنی **鳥居** مینویسند. "توری ای" به معنای آشیانه مرغ است. این واژه نیز شاهدهی بر نفوذ فرهنگ مرغ باور ایران است. این مرغ که نماد پرواز و آزادی روح و روان است و جایگاهی مقدس در فرهنگ ها پیدا میکند چیزی غیر از سیمرغ ایرانی نیست.

یاماتو: "یاماتو" نام دیگر **آسکا** و نام سلسله امپراتوری در این عصر بوده است. "یاماتو" را به ژاپنی **大和** می نویسند. باز نگارش این واژه نیز به مانند **آسکا** با تلفظ آن هم خوانی ندارد. تلفظ آن از واژه فارسی کهن "یما" که لقب "جمشید" است و به معنای همزاد می باشد اقتباس گردیده است. خصوصیات جمشید به مثابه اولین انسان و نماد شخصیت بهشت ساز بر روی زمین در

²¹ خواننده مشتاق میتواند به مقاله "بن شناسی فرهنگ ایران" از همین نگارنده در تارنمای زیر مطلب را دنبال کند: <http://www.shamgolparvaneh.com/farhang.html>

فرهنگ ایرانیان باستان در این واژه تداعی گردیده است. معنای لغوی آن اجماع و هم آهنگی بزرگ میباشد که از ویژگی های رفتاری جمشید است. نوروز جشن ملی و همگانی ایرانی ها را به یاد بیاوریم که در استوره ها به جمشید نسبت میدهند.

ای کاروگا: "ای کاروگا" را به ژاپنی 斑鳩 می نویسند و به معنای مرغ خوش خط و خال است. این مرغ همان سیمرغ گسترده پر است (بن مایه 9). "ای کاروگا" به محلی در معبد هوریوجی (法隆寺) اتلاق میشود که در آنجا یومه دونو (夢殿) بنا شده است. یومه دونو به معنای سالن رویا میباشد. در درون این سالن که ساختمانی به شکل هشت ضلعی میباشد آتش مقدس را می افروختند و به عبادت می پرداختند.

سومرا: واژه "سومرا" را به ژاپنی 皇 مینویسند و عنوان امپراتور همانند "مهرداد" در تاریخ ایران است که بر روی نام پادشاهان اشکانی (پارت ها) می گذاشتند. این واژه از دو پاره 白 به معنای سفید²² (خورشید گونه در بهشت) و 王 به معنای پادشاه تشکیل شده است. امپراتور پادشاهی است که تاج خورشید گونگی به او عنایت شده است. این واژه تداعی گر واژگانی از جمله "مهرداد" که تناسخ ایزد "مهر یا میترا" است میباشد.

جی هی: جی هی را که به ژاپنی 慈悲 مینویسند به معنای "شفقت" یا Compassion انگلیسی است. جی 慈 در این واژه مترادف با مایتریا (Maitreya) یا میترا است. به میترا یا می روکو، ضمن جی شی 慈氏 میگویند که حاوی معنای "شفقت" بخشنده یا یاری دهنده است. شی 氏 جلوی اسامی میگذارند و همسان "آقا"، "سرور" و غیره است.

تحول در شاخه های آئین بودیسم بعد از افول اقوام سوگا

شاهزاده شو توکو در سال 621 میلادی فوت میکند و در سال 645 میلادی سوگا و بسیاری از حامیان مرد او در یک کودتا بدست بدخواهانشان از بین میروند. با این حال هرگز از سرعت جریان بودائی شدن فرهنگ ژاپن کاسته نمیگردد. زیرا زنان بسیاری که رابطه خونی و سببی با اقوام سوگا داشتند همچنان در حیات بودند و با تولد نیروهای تازه نفس میراث پیشکسوتان آئین بودائی را حفظ کرده و باعث نوآوری های بیشتری در زمینه فرهنگ دینی بودائی شدند. در قرن هشتم میلادی تندیس های می روکو با نام گوزه کان نون (Guze Kannon = 救世觀音) و یا می روکو کان نون (Miroku Kannon = 弥勒觀音) معرفی شدند. گوزه کان نون به معنای ندای ناجی (برابر با سروش²³ در آئین مهرپرستی مانی است که ندای راز مهر لقب دارد) و می روکو کان نون به معنای میترا ی مشیا است.

²² سفید در فرهنگ ژاپن معنای ساده "white" را ندارد، بلکه بیشتر به معنای نورانی است. نورانی به ژاپنی آکاری (明) است که از ترکیب دو جزء 日 (خورشید) و 月 (ماه) ساخته شده است. جالب است وقتی نور عبارت از روشنایی تلفیقی از خورشید و ماه باشد.

²³ Sraosha=(Cautes in western Mithraism)=Avalokiteshvara

شاخه های می کیو - نطفه های مکتب اسرار شاخه بودیسم نوین (Esoteric Buddhism) ژاپن در قرن هفتم میلادی با ورود رهروان فلسفه Vijnana- Vadin یا فلسفه "تنها ذهن" مایتریا(میترا) گذاشته شد. این سنخ فلسفی را در ژاپنی 唯識 = Yuishiki میگویند و به معنای آنست که تمام واقعیت ها چیزی غیر از ذهن (Manas=mind) نیست و این حقیقت فقط با مراقبه، مکاشفه و ریاضت های خالصانه با الهام از آموزه های بودای دانا قابل دسترسی است. روایت است که کاهنی به نام آسانگا (Asanga) در پیشاور پاکستان فعلی با الهام از آموزه های مایتریا(میترا) به این فلسفه دست می یابد. ظهور پایه های فلسفی مخصوص



در شاخه بودیسم هوسو (Hossoshu = 法相宗) که بودای Vairocana (خورشید تابان) نماد حقیقت آن قرار داده شده است (فرتور 15) محسوس است، و بودیسم این عصر به بودیسم علمی مشهورست. استاد توجو در مقاله جدیدی که اخیرن منتشر کرد (بن مایه 8) نوشته است که طبق کتاب مقدس بودائی Mahavatsu که بین قرن اول تا چهارم میلادی نگاشته شده است به صراحت آمده است که 44x4,320,000,000 سال قبل از بودا شدن شاهزاده گوتاما، مایتریا(میترا) لقب "Vairocana" (به معنای خورشید تابان) را کسب کرده است.

فرتور 15 وایروکانا (Vairocana) در معبد بزرگ (Todaiji) شهر نارا

کاهن بزرگی که برای اولین بار ادعای همسانی Vairocana را با مایتریا(میترا) مطرح کرد و با تحریر دوجلد کتاب با تیتتر Manthra Zikr Practice of the Loving One=Mithra (ترجمه استاد توجو) به چین آورد زن موکون (Zenyumkon) بود. آموزگاران بودیسم از جمله کوکای ژاپنی با فراگیری اندیشه های والای زن موکون به تاسیس شاخه های دیگر بودیسم پرداختند.

بهر جهت چون درک آئین بودیسم فیلسوفانه ی هوسو برای افراد عادی خالی از اشکال نبوده است اشکال بودیسم های بعدی با متون ساده تری ارائه میگردد. اما نباید از خاطر برد که بودیسم هوسو شالوده شاخه های دیگر مکاتب اسرار از جمله می کیو (Mikkyo = 密教) در قرن نهم و سرزمین پاک یا جودو (Jodo = 浄土) است که در قرن دوازدهم ظهور میکنند. ما در دنباله به معرفی این دو شاخه بودیسم می پردازیم.

در بودیسم می کیو (Mikkyo = 密教) دو شاخه فرعی ین دای (Tendai = 天台) و شین گون

²⁴ در معنای واژه می کیو (密教) دو نظریه وجود دارد. یکی اندیشه ژاپنی آنست که آن را به شاخه "مکتب اسرار" ترجمه میکند. زیرا واژه ژاپنی 密 به معنای "درخفا"، یا سری است. ولی نظریه دیگر که بیشتر در بین

(真言 = Shingon) معرفی گردیده است. شاخه ٲن دای توسط کاهن بزرگ سای چو (= 最澄) (Saicho) (778-822) (فرتور 16) و شاخه شین گون (به معنای مانترا یا ذکر) توسط کاهن بزرگ کوکای (空海 = Kukai) (774-835) (فرتور 16) ژاپنی پس از فراگیری در چین معرفی و گسترش داده شد. حقیقت بی نهایت هر دو شاخه بودیسم می کیو، ماهواپروکانا (= 大日如来 Mahavairicana) میباشد. ماهواپروکانا به معنای "خورشید تابان اعظم" است که بدون استثناء به تمام آحاد موجودات هستی می تابد و آن ها را از موهبت و شفقت خود لبریز میکند.



کاهن بزرگ بودائی کوکای



فرتور 16 کاهن بزرگ بودائی سای چو

شاخه ٲن دای می کیو بر این باور است که ماهواپروکانا در حوزه آسمان ستارگان به میوکن (妙) (見 = Myoken) تبدیل میشود که هفت سیاره را به تابعیت خود در می آورد (فرتور 17). کوری موتو بر این باورست که باور میوکن مترادف با می روکو یا میترا است (بن مایه 8).

چینی ها مرسوم است می کیو به "آموزه های میترا" که ضمنن "مکتب اسرار" را نیز شامل میشود تعبیر میگردد. زیرا واژه 密 دارای هر دو نوع معنا است.



فرتور 17 میوکن (Myoken) در مرکز هفت سیاره

هم در اندیشه های کیهان شناسی فرهنگ ایران و هم در باورهای میترائیسم غربی و باورهای هندی هفت خدای روزهای هفته در شکل بروج و سیارات به دور خدای نور و روشنائی تجلی میکردند (جدول 2). این همانی دادن میوکن با می روکو یا میترا توسط کوری موتو دور از حقیقت نیست.

جدول 2 نام روزهای هفته در فرهنگ ایران و رم که با خدایان سیارات این همانی داده شده است.

رمی	ایرانی	روزهای هفته	رمی	ایرانی	روزهای هفته
Mercury	تیر	چهارشنبه	Kewan	کیوان	شنبه
Jupiter	اورمزد	پنجشنبه	Sol(Mithra)	خور(میترا)	یکشنبه
Aphrodite	آناهیتا	جمعه	Mah	ماه	دوشنبه
			Mars	بهرام	سه شنبه

در خاطرات نگاری کاهن بزرگ کوکای آمده است که وی در هنگام اقامت در چین از معابد مائی دیدار کرده است. وی موسس شاخه شین گون بودیسم میباشد که به مانند تین دای به ماهاوایروکاتا (فرتور 18) حقیقت نورانی (فروغ جاویدان) اقتداء میکند.



فرتور 18 ماهوايروکاتا یا دای نیچی نیورای (大日如来) در وسط نشانه دست او نمادین است.

کوکای در معبدی در فراز کوهی به نام کویاسان (高野山 = Kouyasan) در جنوب استان اوساکا به عبادت می پرداخته است و این معبد اکنون به یادگار از او محل زیارت و عبادت پیروان و مشتاقان طریقت شین گون است. نگارنده در هنگام دیدار از این معبد متوجه اطاقک چوبی شد که در آن "سنگ می روکو" محافظت میشد (فرتور 19). در یک ضلع این اطاقک دریچه ای تعبیه شده است که میتوان با یک دست "سنگ می روکو" را لمس کرد. روایات بسیاری در مورد این سنگ وجود دارد که برخی از آن ها در طول زمان بُعد خرافی پیدا کرده است. ولی در اصل لمس کردن این سنگ الهام از "می روکو" و درخواست برآورد حاجات خود است.



فرتور 19 اطاقک حاوی "سنگ می روکو"

در شاخه شین گون که مانترا یا ذکر حایلی برای اتصال به خورشید تابان اعظم یا ماه‌وایروکانا است ایزدان استاد مانترا وجود دارند که اشاعه دهنده این مانترا میباشند. این ایزدان را به سانسکریت Vidya-rajas میگویند و به ژاپنی میوآو(Myo-o = 明王) به معنای پادشاه نور میباشند(جدول 3).

جدول 3 ایزدان استاد مانترا یا ذکر در شاخه شین گون بودیسم

نام ژاپنی	نام سانسکریت	توضیح
فودو = Fudo 不動	Aclanatha	بی حرکت ولی با شمشیردردست - تناسخ ماه‌وایروکانا
باتو = Bato 馬頭	Hayagriva	سر اسب- مترادف با سروش خشمگین
کونگویاشا = Kongoyasha 金剛夜叉	Vajrayaksa	دیو خوش سیرت
کونداری = Gundari 軍荼利	Kundali	رزم آور
گوسانزه = Gosanze 降三世	Trilokavijava	
دای ای توکو = Daiitoku 大威徳	Yamantaka	مترادف یا بیما ی ایرانی
مونوشو = Munosho 無能勝	Aparajita	شکست ناپذیر
کوجکو = Kujaku 孔雀	Mahamayuri	طاوس- مترادف با تنوع سیمرغ

این پادشاهان که استادان مانترا یا ذکرند پیروان را تشویق و برخی اوقات هم با چهره های خشن خود آن هائی را که از مانترا سرباز میزنند را میترسانند. این ایزدان تبار خارجی دارند و اطراف سر آن ها هاله ای از نور و آتش نقش شده است که نشانه هائی از نفوذ فرهنگ نور و آتش ایرانی قلمداد میگردد(فرتور 20).



فرتور 20 ایزدان استاد مانترا یا ذکر- اطراف سر آن ها هاله ای از آتش دیده میشود.

حاله آتش در اطراف این ایزدان به این معناست که آن ها قادرند با آتشی که در اختیار دارند نگرانی و مشکلات پیروان را در آن بسوزانند و رفع بلا کنند. ایزد طاوس ریشه در مفهومات فرهنگی ایرانی دارد. این ایزد برخلاف دیگر ایزدان از چهره ای مهربان و با شفقت برخوردارست (فرتور 21). در حالی که بر پشت یک طاوس جلوس دارد در یک دست او شاخه گل لوتاس (نیلوفر آبی) و در دست دیگرش میوه انار دارد. طاوس در فرهنگ ایران این همانی با سیمرغ دارد که نشانه وحدت رنگارنگی و تنوع است.



فرتور 21 ایزد طاوس- در یک دست شاخه گل لوتاس و در دست دیگرش میوه انار دارد.



فرتور 22 خدای دانش، موسیقی و طرب. راست: بن زای تین (ژاپن)، وسط: آناهیتا (ایران)، چپ: سرسواتی (هند)

تعدای دیگری از خدایان در بودیسم ژاپن مورد ستایش قرار دارند که از خارج وارد شده اند. این خدایان که مسئولیت صیانت از آموزه های بودیسم را بر عهده دارند در سانسکریت به deva یا

همان **دیو** فارسی نامیده میشوند. در ایران باستان نیز **دیو** از خدایان مورد علاقه مردم بوده است. در ژاپنی به این خدایان نگهبان **天部 = Tenbu** میگویند که تعداد آن ها نیز فراوان است. برخی از آن ها چهره های مهربان و تشویق کننده دارند ولی برخی با چهره های غول مانند و خشن و پرخاشگر ایجاد ترس در دل مردم میکنند.

یکی از این خدایان **بن زای تن (Benzaiten = 弁財天)** است که علاوه بر ریشه هندو تبار ایرانی نیز دارد. این خدا در جوار رودخانه و یا برکه منزل دارد و به نوازش موسیقی و طرب می پردازد. این خدا در سانسکریت به سراسواتی (**Saraswati**) و در ایران باستان مترادف با **آناهیتا** یا ناهید الهه آب و سبزی و موسیقی است (فرتور 22).

بودیسم جودو و جودوشین شو - شاخه دیگر بودیسم که بعد از **می کیو** تاسیس میگردد بودیسم **جودو** یا بودیسم سرزمین پاک (**Jodo = 浄土**) میباشد که در قرن دوازدهم در عصر هی آن به رهبری کاهن بزرگ **هوزن (Hozen = 法然)** عرض وجود مینماید. کاهنان برجسته بودیسم با هدف جذب بیشتر پیروان، در این شاخه بودیسم روش های ساده تری را برای ارتقای هوشیاری و سعادت روحی مردم ارائه دادند. در این شاخه بودیسم تنها با تکرار و زمزمه یک ورد یا ذکر **نامو آمیدابوتسو (Namuamidabutsu = 南部阿弥陀仏)** عابد قادر خواهد بود به سرزمین پاک و یا بهشت برین مراجعت کند. پس از مراجعات مکرر در این بهشت برین است که عابد میتواند به مقام بودائی ارتقاع پیدا کند. در بهشت برین **آمیدانیورای (= 阿弥陀如来)** (فرتور 23)، حقیقت بیکران نور و زمان قرار دارد تا مراجعین را یاری دهد.



فرتور 23 آمیدا نیورای در معبد بیودواین (**Byodoin**) در شهر اوجی

واژه **آمیدا (Amida)** میشوند واژه سانسکریت آمیتابا (**Amitaahba**) به معنای روشنائی بیکران، و یا آمیتایوس (**Amitaayus**) به معنای زمان بیکران میباشد. آمیتابا یا روشنائی بیکران مترادف با **اهورامزدا** حقیقت نورانی بیکران در آئین زرتشتی بوده، و آمیتایوس زمان بیکران مترادف با

زروان، زمان بیکران در میترائیسم (مهرپرستی) مانی قلمداد میشود. و بالاخره نامو (Namu) در ذکر نامو آمیدابوتسو به معنای بازگشت است. بنابراین نامو آمیدابوتسو جمع به معنای "بازگشت به حقیقت روشنائی و زمان بیکران" است. روایت است که سراسر بهشت جودو از جواهرات طلا و نقره تزئین شده و آغشته از عطر گل بوستان است. در بهشت جودو میتوان فارغ از غم و غصه به همراه موسیقی و پرتوی روشنائی بشادمانی روزگار گزراند (بن مایه 11).

شاگرد هوزن، شین ران (Shinran = 親鸞) با اصلاحی در نوع ذکر، آئین جودونوین (浄土真) را تاسیس میکند. تنها فرقی که در این شاخه با شاخه جودو بودیسم وجود دارد اینست که حتماً لازم نیست ورد یاد شده در شاخه جودو هم بر زبان بیاید. در شاخه جودو نوین تامل یا تصور قلبی آمیدابوتسو برای رهایی جستن و رجعت به سرزمین پاک کافی دانسته شده است. در شاخه فرعی از این آئین (گروه تاناکا) به غیر از آمیدابوتسو دو حقیقت یا ایزد دیگری هم مورد ستایش قرار میگیرند. یکی کان نون بوساتسو (= 觀音菩薩 = Kannonbosatsu) و دیگری تای سی شی بوساتسو (大勢至菩薩 = Taiseishibosatsu) میباشد. اولی مترادف با سروش²⁵ (Sraosha)، ندای سر حقیقت و دومی مترادف با رشن²⁶ (Rashnu)، پاسخ دهنده به ندای سر حقیقت است. هم سروش و هم رشن از خدایان مطرح در فرهنگ های ایران باستان از جمله فرهنگ سیمرغی، زرتشتی و مهر پرستی میباشند. سروش و رشن در این آئین نسبت برادر را با هم دارند.

بد نیست بدانیم تعداد سیزده شاخه اصلی و ده ها شاخه های فرعی بودائی در ژاپن شناخته شده است. جمعیت پیروان بودیسم را در ژاپن حدود 93 میلیون 500 هزار نفر (یک نفر ممکنست چند دینی باشد) تخمین میزنند که 18 میلیون و 500 هزار نفر آن را پیروان آئین جودو و آئین جودو نوین تشکیل میدهند. پیروان آئین جودونوین بیشترین و حدود 12/5 میلیون نفر تخمین زده میشود. جمعیت پیرو آئین مکیب اسرار یا می کیو را جمعاً 7 میلیون تخمین میزنند (بن مایه 11).

آئین شوگندو - آئین دیگری که لازمست به معرفی آن به پردازیم آئین شوگندو (= 修驗道 = Shugendo) میباشد که با تاثیر پذیری از آئین های بودیسم، پدیده های ایرانی-هندو در آن مشاهده میگردد. همان گونه که مختصرن در صفحات قبلی هم به آن اشاره کردیم این آئین نوع تلفیقی از آئین سنتی شینتو و می کیو یا مکتب اسرار بودیسم میباشد که در عصر هی آن شکل میگیرد. پیروان نوعی از آئین شینتو کوه را محل اقامت خدایان می پنداشتند و با راه پیمائی های طولانی در مسیر صعب العبور کوه ها به یک وجد عرفانی دست می یافتند. این افراد را یامابوشی (山伏 = Yamabushi) (فرتور 8) مینامند. پس از ادغام در می کیو پیروان یامابوشی شخصیت های بودائی را حلول خدایان پنداشته، در مسیر راه های کوهستانی معابد را بنا کردند و به ستایش و پرستش آن ها پرداختند. نام عمومی این تناسخ های خدایان گوگن (= 権見 = Gogen) است و در جدول 4 نام تعدادی از آن ها مشاهده میگردد. این تناسخ ها از معتقدات می کیو نشات گرفته است.

25 سروش را در سانسکریت Avalokiteshvara و در میترائیسم غربی Cautes میگویند.
26 رشن در سانسکریت به Mahasthamaprapa و در میترائیسم غربی Cautopates معروفند.

جدول 4 ظهورنمادهای بودیسم می کیو در آئین شینتو

خدای اعظم همسان با آماتراس خورشید خاتم آئین شینتو	خورشید اعظم- Mahavairocana
همسان با خورشید اعظم	میترا- Miroku
همسان مئشیا میترا	کان نون- Kannon
تناسخ خورشید اعظم	فودو- نگهبان منور خورشید اعظم- Acala-naha
همسان با خورشید اعظم. ایزد ستارگان و نجوم.	می یوکن- Myoken
نگبان خورشید اعظم. ایزد ستارگان و نجوم. همسان با میوکن	Akasagarbha

در شاخه آئین تین دای (天台宗 = Tendai) می کیو ی بودیسم شاخه فرعی ظاهر شد که کعبه عبادت خود را در کوه یوسوروگی (石動山 = Yusurugiyama) یافت. روایت است که خدای آن ها در سنگی که از آسمان بر روی این کوه افتاد مسکن دارد. این کوه در شهر یاو (= 八尾 Yao) شهر جنب دریای ژاپن در استان کاشیما قرار دارد. اسکان خدا در سنگ ما را به یاد استوره میترا می اندازد که از درون سنگ ظاهر میگردد.

در آئین شوگندو طهارت در آتش و آب از مناسک بسیار مقدسی میباشند که با ابهت و حرارت شایان توجه در بسیاری از نقاط ژاپن هر ساله بر گزار میگردد. ما زمانی که به مراسم سمبولیک آئین های مذهبی ژاپن که قرابت های گوناگونی با مراسم دینی ایرانیان دارد پرداختیم این مراسم را نیز معرفی خواهیم کرد. ولی اجالتن بد نیست بدانید که به مناسک آتش افروزی آئین شوگندو، دای گوما (大護摩 = Daigoma) (فرتور 24) میگویند.



فرتور 24 راست- مراسم "دای گوما"- دو تل بزرگ آتش همراه با خواندن اوراد توسط یامابوشی ها ، چپ- پریدن از روی شعله های آتش به هدف جذب خصلت پاک کننده آن- شباهت آن با مراسم چهارشنبه سوزی و مناسک زرتشتی های ایرانی قابل توجه است.

دای به معنای بزرگ است. گوما از واژه سانسکریت "هما" یا "هوما" ترجمه آوایی شده است. "هما" مرغ سعادت ایرانیان که همان سیمرغ است میباشد و سیمرغ "آتش افروز" نیز خوانده

شده است. آتش در مراسم **گوما** پیامبرمنزه و اتصال دهنده آرزوهای پیروان زمینی به "خورشید اعظم" در فراز جهان مینوی است. در انتهای مراسم عبور از روی آتش که به هی و اتاری (火渡) معروف است (1) = Hiwatari) در بسیاری از نقاط انجام می گیرد.

آئین ذن

موسس آئین ذن را کاهنی به نام **بودا دارما** (Budhidharma) (470-543) می دانند که در سن 60 سالگی در قرن ششم میلادی (بین سال های 516 تا 526) به چین می رود و در معبد شاولین (Shaolin) به آموزش آئین ذن مشغول می شود. بعد از گواتما بودا او بیست هشتمین بودا بشمار می آید. در متون چینی از او به عنوان کاهن چشم آبی ایرانی یاد می کنند (فرتور 25). هویت دارما را برخی ایرانی از نوع هلنی (مخلوط ایرانی- یونانی) میدانند که از آسیای میانه سفر کرده است و برخی او را مسافری از خطه هند پنداشته اند²⁷. استاد توجو بر این باورست ژاپنی های بودائی هویت دارما را ایرانی میدانند. دارما شناخت آئین ذن را نه در کتب مقدس بودائی بلکه در مراقبه طاقت فرسا میدانست. با مراقبه ممتد و خستگی ناپذیر است که فرد به گوهر بودائی در درون خود آگاه می شود و نهایتن به روشنائی ابدی می پیوندد. مشهور است خود او به مدت 9 سال روبه دیوار به مراقبه و مکاشفه پرداخت، به گونه ای که هر دو پای او فاسد شد و ساقط گردید. فرتور 26 عروسک معروف دارما را که نه دست دارد نه پا نشان میدهد. چشم این عروسک را در مناسبت های پیروزمندانه به نشانه خوش یومنی و سپاس پر می کنند.



فرتور 26 عروسک دارما بدون دست و پا



فرتور 25 دارمای مقدس موسس آئین ذن

ذن را به حرف چینی یا ژاپنی 禅 می نویسند. این حرف برگردان تصویری واژه "دایانا"

²⁷ Masato Tojo : Zen Buddhism and Persian Culture- An Investigation on the Influence of Simorghian Culture on Zen Buddhism. In <http://www. Shamogoloparvaneh.com/Englishp.html>

(dhyana) در سانسکریت است که در فارسی هم دایانا یا همان "دین" است. آئین ذن در کشورهای باختری از معروفیت شایان برخوردار است. پیروان ذن را در ژاپن 9.6 میلیون تخمین می‌زنند.

فلسفه آئین ذن برای اولین بار از طریق دین هوسوشو (Housoshu = 法相宗) در سال 660 میلادی به ژاپن معرفی می‌شود. هوسوشو با وجود این که در زمان خود مورد سرزنش پیروان بودیسم اولیه قرار میگرفت به طوری که آن را ارتداد قلمداد می‌کردند از باورهای فلسفی پیچیده بی نظیری برخوردار بود. نظریه آن‌ها را به ژاپنی (唯識論, =yuishikiron) و به سانسکریت Vijnana-vadin می‌گویند. فلسفه ذن بوسیله کاهنی از خانواده برهمای هندی به نام آسانگا (Asanga) که در شهر پیشاور کنونی (پاکستان) زندگی می‌کرده است گسترش می‌یابد. او ادعا کرده است که این فلسفه را با الهام از آموزه میترا یا میتره (Maitreya) آموخته است. متولیان این دین معتقد بودند که تمام واقعیت‌های موجود چیزی جز ذهن نیست و به هشت نوع ذهن یا لایه‌های شعوری باور داشتند (جد. 5).

جدول 5 لایه‌های شعور در آئین ذن

نام‌های ژاپنی	کارکرد هر لایه	
眼識 = Genshiki	شناخت از راه حس بینائی	این شش لایه ذهن را لایه‌های قشری شعور می‌گویند
耳識 = Nishiki	شناخت از راه حس شنوائی	
鼻識 = Bishiki	شناخت از راه حس بویائی	
舌識 = Zetsushiki	شناخت از راه حس چشائی	
身識 = Shinshiki	شناخت از راه حس لامسه	
意識 = Ishiki	شناخت عقلانی	
末那識 = Manashiki	شناخت خود محور که ریشه سرگردانی و نگرانی است	این دو لایه ذهن را لایه‌های ژرف شعور می‌نامند.
阿賴耶識 = Arayashiki	محل انباشت اصل تخم تمام رفتارهاست. تخم تمام قضاوت‌ها و تصمیمات در این انبار نهفته است. در این تخم‌ها کیفیت‌های خوب و بد نهفته است.	از راه این دو لایه است که کیفیت لایه‌های قشری تعیین می‌گردد.

یکی از کتب مورد اعتبار پیروان ذن کتاب مقدس یا سوترای Avatamsaka Sutra می‌باشد که در قرن سوم و چهارم میلادی در آسیای مرکزی تألیف و تدوین شده است. در این کتاب سر رشته آموزه‌ها را به بودای وایروکانا (Buddha Vairocana) که مترادف با خدای خورشید (Sun God) است نسبت می‌دهند (به فرتور 15 نگاه کنید). خدای خورشید در آسیای مرکزی در دوره شکوفائی بودیسم ماهاینه این همانی با میترا یا میتره داشت. حقیقت نهائی که روشنائی مطلق تعبیر می‌شود، خورشید نماد آن مترادف با میترا پنداشته می‌شد.

هفت خدای بخت (Shichifukujin=七福神)

پرستش این خدایان در معابد بودائی و شینتو از قرن دوازدهم در عصر کاماکورا رونق داشته است. جمع آن ها در کشتی بخت (فرتور 1) ظاهر میشود. در جدول 5 نام این خدایان، تبار خارجی آن ها و بخت و سعادت که نمایندگی آن را میکنند معرفی گردیده است. زمان پیدایش، معروفیت و مقبولیت این خدایان یکسان نیست. در جدول نام آن ها به ترتیب پیدایش و مقبولیتشان در جامعه ژاپن آورده شده است. **ابی سو** و **دای کوکوتن** از بقیه خدایان معروفتر، مقبول ترند و از پرستش بیشتر در معابد گوناگون برخوردار.

جدول 5 هفت خدای بخت یا شی چی فوکو جین

نام خدا	تبار خدا	ویژگی خدا
ابی سو (Ebisu=恵比寿)	ژاپن	خدای کسب، کار و صید و رونق کشاورزی
دای کوکوتن (Daikokuten=大黒天)	هندوستان	خدای خورد و خوراک و افزایش مال
بن زای تن (Benzaiten=弁財天)	هندوستان	خدای موسیقی، خرد و تدبیر
بی شامون تن (Bishamonten=毘沙門天)	هندوستان	خدای نگاهبان آئین بودا و سرزمین های شمال، خدای ثروت
فوکوروکو جوو (Fukurokuju=福祿寿)	چین	خدای طول عمر و سرنوشت خوب
جوروجین (Jurojin=寿老人)	چین	خدای طول عمر و سلامتی
هوتی (Hotei=布袋)	چین	خدای اخلاق و آینده خوب



فرتور 1 ورود کشتی گنجینه سعادت و هفت خدای سوار بر آن

پژوهشگران چه در مورد تبار این خدایان و چه در مورد تاریخ و نحوه ظهور و یا ویژگی خدائی آن ها لزومن توافق نظر ندارند. اگر چه وجود آن ها را میتوان در تلفیق با باورهای بومی ژاپن در آئین شینتو و بودیسم به وفور مشاهده کرد ولی نسبت هائی که از نقطه نظر اخلاقی و

فرهنگی به آن‌ها می‌دهند از توجی‌هات لازم برخوردار نیست و معرفی آن‌ها بنظر می‌آید تحت تاثیر ملاحظات سیاسی و فشار قدرت از بیرون صورت گرفته باشد.

اجازه بدهید نظر سوسومو کوچی²⁸ (Susumu Kuji=久慈 力) را در رابطه با این هفت خدای از کتاب ایشان نقل کنم. او بر این باور است که این هفت خدا بوسیله اقوام مهاجر خاور میانه بخصوص اقوام بین رودان (بین النهرین) از جمله سومری‌ها، آشوری‌ها، آکدها و اقوام بنی اسرائیل، شمال و شمال شرق و غرب ایران از جمله کاسیت‌ها، سکائی‌ها و ترک‌ها و هیتیت‌ها به ژاپن آورده شده‌اند. این اقوام که هم تعدادشان زیاد بوده و هم روابط بین آن‌ها هم آهنگ و یکپارچه نبوده است عموماً از طریق جاده ابریشم (فرتور 2)، جاده جلگه ای شمال (Steppe Route) و راه آبی جنوب (Sea Route) با عبور از چین و شبه جزیره کره به سرزمین ژاپن مهاجرت کرده‌اند. کوچی از بین این اقوام مخصوصاً از اقوام بنی اسرائیل‌های ایرانی تبار به کرات یاد میکند. نماینده مقتدر این گروه شخصی به نام سردار هاتا (秦氏) معرفی شده است. این اقوام اصولاً برای جستجوی پناهگاهی و ایجاد مستعمرات به ژاپن می‌آمده‌اند ولی در عین حال مهارت‌های فنی از جمله آختن فلزات، زراعت، بافتندگی و باورهای فرهنگ دینی و هنری سرزمین خود را به میراث باقی گذاشتند. جماعت هفت خدای سعادت نمایندگان باورهای فرهنگ دینی هندو، بودیسم، تائوئیسم و باورهای شینتوی سنتی ژاپن هستند که البته در تمام این باورها رگه‌های فرهنگ‌های ایران باستان از جمله زرتشتی، میترائیسم، مانوی، مسیحیت (نسطوری)، یهودیت یافت می‌شود. از جهتی باید اذعان کرد که گنجایش پذیرائی و استقبال از تمام این باورهای متنوع در جامعه ژاپن باستان بسیار بالا بوده است.



فرتور 2 سه راه ارتباطی بین کشورهای خاور و باختر که به جاده ابریشم موسوم است

²⁸ 久慈 力：七福神、信仰の大いなる秘密 批評者、2007

کوجی حتا تبار ژاپنی خدای ابی سو (惠比寿) (فرتور 3) را که اکثر پژوهشگران سنتی ژاپن بر آن تاکید میکنند مردود میداند و ریشه این خدا را در قوم اپوس (Epus)، یکی از اقوام بین رودان، که به عنوان برده مظلوم توسط قوم بنی اسرائیل به ژاپن آورده شده است میداند.



فرتور 3 چپ: ابی سو با ماهی در دست چپ و چوب ماهی گیری در دست راست و کلاه کلاغی بر سر، وسط: دای کوکوتن با چکشی در دست راست و انبانی در دست چپ که بر روی کیسه برنج نشسته است. راست: بن زای تین سرگرم نواختن با آلت موسیقی بی وا است.

ابی سو و دای کوکوتن (大黒天) (فرتور 3 وسط) هر دو کلاه کلاغی بر سر دارند، کلاه کلاغی کلاه کسانی است که با آتش سروکار دارند و برای جلوگیری از اصابت جرقه های آتش به صورت از این کلاه استفاده میکنند. علاوه بر آن دای کوکوتن در دست راستش یک چکش مشاهده میشود که نشانه مهارت در آهنگری و ظرب سگه است. به نظر می آید چنین قیافه ای مخصوص افرادی باشد که ید طولائی در تجارت طلا و نقره دارند. او در دست چپش یک کیسه دارد و روی کیسه های برنج نشسته است. رابطه این خدا با برنج میرساند که نقشی در معرفی طرز کشت برنج به ژاپن داشته است. این خدای در هند به خدای سیاه خشمگین و تناسخ روح شیوا خدای خلق و نابودی معروف بوده است ولی در ژاپن با ائتلاف با خدای اوکونی نوشی چهره ملایم تری بخود میگیرد. نام دای کوکوتن هم به معنای خدای سیاه سعادت و آشپزخانه است. این خدا بوسیله دو آموزگار روحانی (کوکای و سای چو) شاخه مکتب اسرار آئین بودیسم ژاپن برای حفاظت و نگاه بانی از معبودان بودائی از چین به ژاپن آورده شده اند.

بن زای تین (弁才天) (فرتور 3 راست) زنخدای موسیقی، دانش و تدبیر مترادف با ساراسواتی هند و آناهیتای ایرانی است. در ژاپن با آلت موسیقی بی وا (Biva=琵琶) که ریشه در بربط ایرانی (اود عربی) دارد دیده میشود. این خدا بیشتر در معابد شاخه مکتب اسرار بودیسم مشاهده گردیده و از مقبولیت بالائی در بین ژاپنی ها برخوردار است. بن زای تین زمانی که از هند از طریق جاده ابریشم به چین میرود در چین مناسب با خوی مردم این سرزمین تغییر شکل میدهد. بن زای تین چینی دارای تاج سر و هشت دست و بازوی بوده است که به هشت سلاح از جمله نیزه، خنجر، کمان، پیکان و غیره مسلح بوده تا قادر باشد دشمنان روحانیت بودائی را تار و مار کند.

چهارمین خدای بخت **بی شامون تین (毘沙門天)** (فرتور 4) است که در آئین هندوی هند خدای جنگ لقب گرفته است. او با یک نیزه سه پر در دست راستش و یک برج در دست چپش به همراه کلاه خود مشاهده میشود. در هیچ یک از کشورهای چین، هند و ژاپن چنین قیافه ای مشاهده نمی شود. این شکل و شمایل شباهت بسیاری با سربازان اسرائیلی در عصر داود دارد. او چهره ای خشن دارد و بی جهت نیست که سمت این خدا را نگاه بانی از شخصیت های بودائی و جلوگیری از جنگ و ستیز تعیین کرده اند. این خدا در ژاپن از مقبولیت زیاد برخوردار نیست.



فرتور 4 چپ: بی شامون تین به همراه نیزه، برج با چهره ای خشمگین و آماده جنگ، وسط: فوکوروجوو با سر برج مانند، قد کوتاه با صورت پرمو که در دست راست عصا دارد، راست: جوو روجین

بی شامون تین در برخی از معابد زره بر تن، کلاه خودی که بال های مرغ بر آن تزئین شده است بر سر داشته و در حالی که دیو را در زیر پای خود محبوس کرده است دیده میشود. تصویر چنین نگاهبانی رد پای نفوذ جنگ آوران ایرانی را تداعی میکند. این خدا بوسیله ایل **هاتا (Hata=秦氏)** از ختن که زادگاهش بوده است به ژاپن معرفی گردیده است. پژوهشگران بر این باورند که هاتا دین مسیحیت نسطوری (به ژاپنی و چینی کی کیو Keikyo=景教 یا دین نورانی) را که از مفهومات میترائی نشأت گرفته است را به ژاپن آورده است.

پنجمین خدای بخت **فوکوروکوجوو (福禄寿)** (فرتور 4 وسط) که سر برج مانند درازی همراه با ریش و ابروهای پرپشت و قد کوتاه دارد. در دست راست یک عصا و در دست چپ تومار لوله شده (در فرتور 3 این تومار به عصا تعبیه شده است) دارد. شمایل **فوکوروکوجوو** نمادی از ستاره عمر در بروج نیمه کره جنوبی است؛ باوری که ریشه در مکتب تائوئیسم چینی دارد. اگر چه در تائوئیسم ستاره شناسی و طالع بینی بر اساس این دانش رواج داشته است اصالت این فن را به اقوام مهاجر خاور میانه نسبت میدهند که با کمک درخشش ستارگان و حرکت آن ها در شب راه بیابان و دریا را می پیمودند تا مقصد را بیابند. تلفیق آثار فن ستاره شناسی این اقوام با سنت های بومی چینی به ستاره شناسی در تائوئیسم این سرزمین انجامیده است.

معنای عصا در دست به منظور ساده یاری دادن پیرمرد در راه رفتن نیست بلکه متناظر با عصای موسی در دین یهود است که هم یک ابزار خدائی بشمار می آید و در ضمن سلاحی برای دفاع از خود است. نمونه این عصا در دست شخصیت های روحانی شاخه اسرار بودیسم هم

دیده شده است و روایاتی از جمله این که آن ها با زمین زدن عصای خود موجب فوران آب پاک از دل زمین شده اند نیز به یادگار مانده است. برخی معتقدند عصا در حین راه پیمائی در دست شخصیت ها وسیله ای جهت جستجوی معادن زیر زمین بکار می آمده است. به این خدای بخت نسبت می دهند که قو و لاک پشت را نیز به فرمان می آورده است.

ششمین خدای بخت **جووروجین (寿老人)** (فرتور 4 راست) است که شباهت زیادی با فوکوروکوجوو دارد. او نمادی از یک ستاره عمر در مکتب کنفسیونی است. پیدایش این خدا نیز داستانی به مانند خدای قبلی فوکوروکوجوو دارد. او نیز در یک دست عصا به همراه اوراق لوله شده دارد. این اوراق نمایانگر محتوای دستورات و قوانین اخلاقی میباشد. روایات است که این خدا قادر بوده است آهو را رام کند. آهو را پس از استفاده از گوشت، شاخ، پوست و امعاء و احشای آن از تکه های استخوان های آن برای طالع بینی بهره میبرد است. آهو در ادیان بین رودان از جمله یهودی حیوان مقدس بشمار می آمده و در ژاپن باستان نیز در بین سرکرده های دربار امپراتوراز تقدس برخوردار بوده و معابدی هم با الهام از آهو نام گذاری شده است.

دو خدای اخیر که رابطه مستقیم با ستاره شناسی دارند بوسیله آموزگاران مکتب عرفانی شاخه بودیسم، تین دای شو و شین گون شو، در این آئین ادغام شدند و مورد عبادت پیروان قرار گرفتند.

هفتمین خدای بخت **هوته ی (布袋)** (فرتور 5) است که شمایل منحصر بفردی دارد. چهره ای خندان، با بالا تنه ای چاق و عریان میباشد که در دست راست بادبزن ژاپنی و روی شانه چپ کیسه بزرگی (هوته ی به معنای کیسه پارچه ای) آویزان دارد. این خدا یک شخصیت حقیقی است که در چین از پیروان آئین زن بودائی قلمداد شده و با می روکو (میترا) این همانی داده شده بوده است. برای جذب انظار و توجه مردم به چنین قیافه ای در آمده و از خوراکی و هدایای رهگزران که به او اهدا میشده است کیسه خود را پر میکرده و از این راه روزگار میگذرانده است. در ژاپن معبد خاصی به نام هوته ی یافت نمی شود ولی نسبت به دو خدای قبلی مقبولیت دارد. او در حین مرگ، خود را حلول یافته از روح میترا (می روکو) یاد کرده است. ژاپنی ها هرگز شخصیت مترادف با می روکوی او را تأیید نکرده اند.



فرتور 5 هوته ی با بالا تنه چاق و عریان و قیافه ای مضحک، با بادبزن ژاپنی در دست راست و انبانی بزرگ بر روی شانه

بنمایه:

- 1- Ervin Laszlo: Quantum Shift in the Global Brain- How the New Scientific Reality Can Change Us and Our World. Inner Traditions, Rochester, Vermont-2008
- 2- 瓜生 中: 知っておきたい日本の神話、2007,角川文庫 1 4 9 3 8
(استوره های ژاپن که آگاهی بر آن ها لازمست- ناکا اوچوو)
جالب است که نویسنده در ابتدای این کتاب انگیزه نگارش آن را در رابطه با یک جوان ایرانی میدانند که از ریشه های هویتی خود در نهایت غرور صحبت میکرده است. جوان ایرانی در حالی که از ریشه هویت خود در استوره های اسلامی(!) به خود می بالد از نویسنده در مورد ریشه هویت او سوال میکند که نویسنده از جواب مناسب در می ماند. همین آشنائی با جوان ایرانی و برانگیختن او عامل نگارش کتاب مزبور میگردد. (بعید نیست که نویسنده استوره های ایرانی را به تعبیر خود اسلامی فرض کرده باشد زیرا که ما چیزی به نام استوره اسلامی نداریم.)
- 3- 渡辺 豊和: 扶桑国王蘇我一族の真実 飛鳥ゾロアスター教伝来秘史、2004,新人物往来社
- 4- <http://www.onmarkproductions.com/Amaterasu-full-image.jpg>
- 5- 武光 誠: 知っておきたい日本の神様、2006、角川ソフィア文庫
6. 山折 哲雄: 神と仏 日本人の宗教観、講談社現代新書 1983
7. Shadows in the Desert, Ancient Persia at War, pp 151, by Dr Kaveh Farrokh
8. A, Introduction to the Simorghian Culture and Mithraism in the East Asia, Masato Tojo: <http://www.shamogoloparvaneh.com/Englishp.html>
9. 栗本真一郎: シリウスの都 飛鳥、2005- たちばな出版
(Kurimoto: Asuka, The Capital City of Sirius)
10. Nakamura: Ancient Emperor's Families and True History of Japan, p16
11. 永田美穂: 仏教宗派 よくわかる本 (図解), 2007 - PHP
12. <http://ja.wikipedia.org/wiki/%E6%98%8E%E7%8E%8B>
13. <http://www5.ocn.ne.jp/~magi9/isracame.htm>
14. Masato Tojo : Zen Buddhism and Persian Culture- An Investigation on the Influence of Simorghian Culture on Zen Buddhism. In [http://www. Shamogoloparvaneh.com/Englishp.html](http://www.Shamogoloparvaneh.com/Englishp.html)
15. 仏教宗派 がよくわかる本 永田美穂、PHP - 2007
- 16..久慈 力: 七福神、信仰の大いなる秘密 批評者、2007